

کمشید و انعامی باید و امید می شاید و این قلب مجرب بدید
و حال نیز این منت منظور بقوتی ملکوتی و عزتی آسمانی و امید می آتی
و بشارتی سبحانی در این محرکه حیات حاضر و مترصد هر که ناآشوب
و بلانی مستند و از مشقات متوالیه و موانع متراید شدت
و هراسان و طولی نگردد. بیقین همین دانند که هر قدر افاق عالم
تاریکتر گردد و زلزله عالم کون بیشتر شود و مسج و مرج اتساع
باید طلوع فجر موعود قریب تر گردد و اسباب تجلی و سطوع انوار
بمتر فراسم آید بپیش از آن ساینده جانپوری لابد اینگونه مقدمات
و تمهیدات مدینه مرعبه می خواهد داشت چه که تحقق و عود حتمی الهیه
بتسببه و تذکر تمام حیدت اجتماعی بشر موقوف و این تذکره جنبه
عمومی چند بود بیانات و تعدد اضطرابات و تزیاید مشکلات
حاصل نگردد این است که اصل محب از جام اطمینان مرز و مند
و بروج امید زنده و مشغول بیدار و متوجهند و ثابت و پیشیا
بدل و جان ساعی و جامدند تا نگذارند که از فشار بیانات اساس
امراته و جوهر تعالیم الله بتدیر بچ از دست رود و از تقسیم
و از و یاد و اهل و سینهات مبادی اصلیه آئین خویش متروک
و تاریک شود و از تطاول بداعدا و دسائس اشراذنی خلی

بشر نیست تقدیر را باید و افکار شوشه حایله غلت جزئی انحرافی
از ان صراط مستقیم آتی گردد. تقسیم مقدس ایران در این دو
تغلب افکار عموم در حیدان مروجین تعالید خائف و هراسان
از کان مونسات متبینه ترغیر و افراد ملت بعضی درین نقطه
سیام و اکثری بهیوت و آرزو و سرگردان در ایران عالی و عالی
بیر و انظار امم را از بیاید و قریب بخوی عجیب متوجه ایران
برایان ساخته وقت عمل و قیام است و زمان رجاء و حیل
آمال باید آن حیدت مجله که اعضای محفل مرکزی آن قلمیستند جمعا
و تئاید و تعاون افراد و بحسب انیان در تمام ایالات و ولایات روشن
ملوک استخاف نمایند که اسباب بیانات و تقبیر و تقدم امر است
نگردد امر شورت در این ایام بر انقلاب از لوازم ضروری محسوب
و در امور عمومی است شماره از اراض مقصود محبوب و مطلوب
از طرفی کل معاشرت با ریح و ریجان با آشناد بیکانه از کل فرق و مل
مسل و ادیان ناموسیم و از طرفی دیگر از معاشرت و مخالطه با اشرا
و ممنوع اعضای مخالف و افراد اجناد این ایام تنگی و اینست باید در
برای این امور سیاسی قلبا و کاغذ و ادعا اقدام نمایند

عدم تمایل چه فعلی و چه قولی با حزب سیاسی و عدم اتفاق و مخالطه

و اینها و اکمالها درین اجناس ممکن نباید تا پسین حدت عالم انسانی چگونه ممکن اگر اختلاف
 درین باران که بر یکبست حاصل پیام نجات را نل نگردد امیدی دیگرند و تبلیغ را دیگر اثر
 فائده و لزومی نبوده و نخواهد بود دیگر باران خود دانند و آنچه صلاح و خیر این امر است
 خود پردازند آنچه بظرف قاصر اینجند برسد همان است که گرا در او مر از باران ابلان نمود
 که اگر میباید تقدم سرچ امرانده را خوانیم باید بهر نحوی ممکن ادنی شبانه اختلاف
 و برودت اغبرار از میان خود محو سازیم و با قلبی صاف و پاک و طیب ظاهر
 کمال روح و ریحان و یگانگی نعمات تقدیس و تنزیه و خلوص و محبت البتة را بشام آلود اول
 عالم رسانیم ادنی گفتگوی در جمع اجاب سلب نباید و روح مجرد مغش امرانده را از
 بیکل آنچه مریض چون برق اخراج نماید مجودات و مساعی مبذوله را تمام مباد و هر چه
 اسباب تقصیر و انحطاط و تجزئی اضلال آنا فانا از یاد یابد و از جمیع جهات عاطفانه
 مقصود از تاکیدات قنانه شدید در تقویت و نصرت محافل روحانیة آن بود که اساس این
 روز بروز و سپستر و ملکه گردد و در نظام الهی غلبی وارد نشود در و ابطی نشین و جدید
 شرق و غرب ایجاد گردد و وحدت بهائی محفوظ ماند و در انظار اصل عالم جلوه بیج کند
 بر اساس اینجافل میان بوی عدل الهی استوار گردد و بر این بوی عدل ضروری
 قصر شیدیت عدل عمومی در نهایت نظام و ترتیب کمال و جلال من دون تعویض
 تاخیر مرتفع شود و چون بیت عدل عمومی از جز آنال تجزیه شود عمل قدم نهد و پیش
 عمل کثافت اقاویم مرتفع و مستتر گردد آنوقت این هیئت مجلده که بر اساس نشین

درین

زیرین تمام ملت بهائی در شرق و غرب هستند و توسل است و از امانت آئینه هستند
 مستفیض بوضع و اجرای شریعت عالی متقنه و اقداماتی کلیدی و تاسیساتی ایبره پردازند و
 با نوا سطر امرانده صنعتش بنا گیرند و پیش عالم افزوز شود ولی هزار نفوس در این اساس
 اینجافل روحانیة که از تبهات اولیه اجرای این مقاصد فیه محسوب بود و عمل حاصل
 چه که اساس اینجافل به دستون قائم و بر پا و پیشرفت و تقدس و امر شرط و تقوی
 اول اعتماد کامل و ثقه تمام و اطاعت و انقیاد و تقویت باران نسبت باعضای
 محفل روحانی خویش و تاملی فریضه اعضاء بر محفل در ملاحظه و اجرای صالح امور و تبه
 نظر بآرب و مقاصد شخصی نفوس هزار نفوس که در اکثر نقاط آن ثقه اعتماد و احاطت
 و انقیاد و معاضدت و ایید در خارج محفل موجود و سایرین صرف نظر از صالح و مقاصد شخصی
 از طرف اعضاء محفل ظاهر و شود تا این دو شرط یعنی خلوص نیت و حکم نفس و شتابان
 عزت کاغذ و اتحاد جامعه بهائی تا پیش استقرار نیاید اتحاد و اتفاق در هیچ نقطه و در هیچ امری غیر ممکن
 و اتحاد و اتفاق کامل بین اجناس جلوه نماید و حکم و ثابت گردد امر غریز الهی در حالت توقف باقی
 و اذرع و ظفر منبوع و محروم گردد این تبهات اولیه اساسیة جزیه غفلت حاصل گردد و اینگونه
 مشکلات و موانع بیان آید در باب تبهات و مشر و عامه عمومی استقبل خواهد شد و بیان عدل
 عمومی که عدل تمام مشکلات و موانع کل امور و واضح نقل قوانین است چه وقت مرتفع خواهد گشت
 و نوابای مقدسه حضرت عیسی البتة تا کی متوق و معطل خواهد ماند اگر در این سبیل با وجود نصیرت
 و تصور قاطعه آئینه اجمال نمایم و در این اجمال در اوست کنیم فواصر تا علی ما فظناتی

حق

۳
ایروان آشوب طلبان و تمکین یافتار شوش و صومعه و حومه خارج اصل
بها چه در ایران وجه در خارج آن موضع جمال اقدس امی را پرستش نمایند
و در اجساد و تعزیرات و تزیین مصالح بقیقت این سزین مناف و رحمت
بکده جان و مال خویش را فدای ایشان کنند ولی بواسطه اعلیٰ فعاله و وساطتی
الیه متشبذند در تحمیل اخلاق و تقلید قلوب افراد و اصلاح فطرت
ساعی و جاهدند نه در تاسیس و وضع قوانین بسنن و مشروعات مادیه
حدیثه از تقلید بیزارند و با سهار و رسوم جدیده عقیدتی ندارند
و از احزاب و فرق معروره و تخالفه چه از ضرب اشتراک و انقلاب
و چه از نظامیان و سلطنت جوین و جمهوری طلبان و تقلید پرستان
منجانبه و در کنار ادنی مخالفی با هیچیک ندارند و ضدیت و
مقاومت نمایند بلکه خود امر و چنین امری روحانی دانند که
باید آن فائق و مشال بر مقاصد اصلیه کل است نه معارض آن
سه حکومتی را طوعا اطاعت نمایند و بهیچوجه معترض نشوند و
مقاومت نکنند صادق و امین و مطیع و خیر خواه باشند اقبای
باید با اموری مشغول گردند و منتهد و وظائفی شوند که اثراتش بهیوم
ملت راجع گردد نه آنکه فقط مایه انتفاع بعضی از رؤسا و اشخاصی
سد و باشد

۵
نیاید ایران و اعضای محافل باید با اعمال و رفتار و سلوک و کل
احوال و در تمام شئون و در جمیع معاملات عزت و قیمت و
عزت و سمو این آئین مقدس را بسیار و وطن خویش نمایند
نه آنکه انکساف بیایند و بیان و تفسیر و تشریح کنند حضرت عبدالبا
عزیز صیغی شریف حضرت عباس را تفسیر نماید
سایمان باید نظیر باین امر دقیق نماید که مانند سایر اهل آن
و بای اهنوی و لفظی معنی کفایت نمایند بلکه جمیع شئون احوال
و فضائل روحانی و روشش در رفتار نفوس ربانی قیام کنند و
انت نمایند که بهائی صیغی هستند نه لفظی و بهائی این است
که شب در روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و
بهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید
که جمیع بشر از آن سستفین و منور گردند و نقطه نظر کائنات همواره خلق
عربی حق باشد و روشش در رفتارش سبب ترقیات انجانبه
گردد چون باین موافق بود میتوان گفت که بهائی است
الذی در این دو مبارک است که فراعصار و فزون است ایمان عبارت
از او از لوح هدایت الهیه بلکه قیام بجمع شئون و کمالات ایمان است
و نظر نماید که این بیان چه قدر شدید و متین و مشکل الاجر است

ولی تا بحال میان ما این طبع از کما بسبب بی یقین مزین نگرا در چشم عالم
 چنانچه باید و شاید نتوجه بمانان نشود و نام بحسب آن جهان افروز
 نگردد بایران برگزیده ایران با این طبع بیستی محیط خود و در توان خلاق
 و مورد قمار نفوس در حول خود ننمایند و راضی بامت یاز و
 تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظر را با وج مرتفع نمایند و نقطه
 نظر گاه را تعالیم و نصایح مسلم اعلی قرار دهند آنوقت معلوم
 شود که هنوز از برای کل در وادی سلوک مر اصلی عدیده باقی
 مانده و طی مسافت نگردیده بسرنیزل مقصود که مخلوق با خلاق
 دشیم البت است هنوز وارذگ شبت ایم پس ما که سالکان
 سبیل نجاتیم باید تمام قوی بکوشیم تا در مجالس است و
 مکالمات و معاملات و مشاغل و مقاصد مان با تمام لطیفات
 نفوس در امور حسنی و کفی در هر دقیقه و آنی آن روح مودعه در
 تعالیم حضرت بجا آرد الله را بفعل اظهار و اعلان و اثبات
 کنیم و چنان جلوه نماییم که بر کل ثابت گردد که جز قوه جامع روح
 حضرت بجا آرد الله هیچ امری دیگر تقییب ماهیت نماید و خلق
 جدید نکند این است یگانه اسباب نجات و ظفر امر است
 ثانیاً این محافل روحانیه اولاً محض اجرای این امور تأسیس گشته

و ثانیاً

ثانیاً مقصد آن تهیه تمیذات کامله متفقه از برای تأسیس
 بیت عدل عمومی الهی است که چون آن محور مرکزی اصل
 بجا و نهایت جلال و اتقان استوار گردد دوره جدیدی
 رخ بکشد و نعمات الطاف سماویه از آن منهدر گردد
 و وعود کاتبیه جلوه نماید اعضای این محافل روحانیه باید در تمام
 امور موجوده نسبت شایان بکارند و تحقیقات کامله احسن نمایند
 و عقیب بر سندی کنند و تعین و تدبیر در جزئیات بر امری
 نمایند و از روی دل سواری و حکمت نشاط تمام قیام کنند
 و بشورت حقیقه پردازند و بدو بعد اصراحت و صداقت
 شک نام جویند و بعدالت نام حکم کنند و در اجراء
 فوری قرارهای خویش است سعی کامل بسدول دارند تا قابل
 ولاین اعتماد و وثقه و ائصال و انقیاد و اطاعت و تأیید و
 مساعدت سایر باران شوند و ایضاً این محافل روحانی
 باید محبت تمام و بقدر استطاعت خویش و بحسب اقتضا
 زمان و مکان بوسالی نسبت کنند و اقداماتی بعمل آرند که
 عمومیت آئین جهانی را در انظار اغیار جلوه دهد و ثابت گردد
 بر میان بصیانت و تعزیز و تقدم بهائیان و ایرانیان که هم دین و

هموطن

چو ملن خود مستند اکتفا نمایند بلکه محب و مودوم و مروج
مصالح عالم انسانی هستند تا با اعمال و افعال با بهره
این امر ثابت نشود اعلان و بیابان آن از کمال بخشید و
مقصود اصلی حاصل نگردد این است صلح اهل بیگانه
این است جوهر حقیقت تعلیمات حضرت عبد الجبار
این است پایه روحانیت و اجداد و اطمینان قلب
این عبد بی نوا

این عبد بر تقصیر همواره آن شیطان مظلوم را بیاد آورم و از
درگاه رب تعالی بر از احاط قلب مسکنت نمایم و تضرع و مناجات
کنم که بقوه و مشیت خویش این موانع شدید را از میان بر
دارم و اصل ظلم و عدوان را منتهی سازم و برکت آسمانی
در امور مادی در روحانی غایت کند و با الهامات و تأییدات
غیبی آن استویدگان پر شوق و وفار انجمناتی جلیله و اقداماتی
بامنده و تأسیساتی عظیمه در ظل کلمه الله در مستقبل ایام
موفق دارم ان ربنا لعلم قدير و بلا جات جدير ۳۰ کبر ۱۹۲۲
بنده استانش شوقی

فرزاد درگاه بنده استانش حضرت عبدالجبار بنده استانش
کبر و جلال و کرامت و کبر و جلال و کرامت و کبر و جلال و کرامت

بواسطه جناب محب السلطان شیخ محمد...
بواسطه اعضای محترم نخل مقدس روحانی مدینه طهران روحی فدایم
برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران روحی فدایم
ملاحظه نمایند

بواسطه اعضای محترم نخل مقدس روحانی مدینه طهران روحی فدایم
برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران روحی فدایم
ملاحظه نمایند
حواله ای

در سبک برومی و راحی یا احبب الله...
ار شاکت با آن یاران در عبودیت آستان مقدس متون و محرم
بوده از ارض مقصود دور و مجبور و از ادای فریضه اولین و انجام
بند خویش عاجز و قاصر هر چند علی الظاهر در این دست محاربه
تسلیم بود و مکانیه و مراسله مستمری با آن عزیزان موقوف و معطل
ولی قلب و روان در سیریل و نهار بلکه در هر دقیقه و آنی این عبد
مستند زبان ارض مقدس با فر و متوجه و بلکه است ای سبیل و تضرع
و ذکر آن متذکر در آینده امر الله و شگون روحانی و انجام خدمات
مستقبل ایام متذکر و متفکر ایام و اوقات کمی راحت و
شگون میگردد و کمی بیگانه مند رجاست و محنات مکانیک و
کبر و جلال و کرامت و کبر و جلال و کرامت و کبر و جلال و کرامت

۲
سازمان امر آتی بود ولی در اکثر ایام ساعات و دقائق این غایت و مجاز
تعمیر و تفکر در گذارشات زمان و حوادث موله و ششون
عالم و دقیق و تفحص در حالات و مشارب و مقاصد نفوس میگردد
فی الحقیقه عالم بشه الیوم در قطعات همه ارض چنان ببلای انگلیسی معذب
گشته این دیده عالم ندیده و بر صحنه روزگار نگاشته دول و
علل و قبائل چه قوی و چه ضعیف چه تمدن و غیر تمدن چه قدیم و چه جدید
چه منصور و چه مغلوب چه حاکم و چه محکوم چه سفید و چه سیاه چه پادشاه
و چه غافل کل از سر زمین و ریشه و دیاری مورد قهر و سخط آتی و کل ببلای
گوناگون گرفتار در سیل مملکت ساکنند و از صراط نجات غافل
اخیرا مصداق قد اخذت الازلال کل اجماع هینا و انما شهواتنا
غایب گشته و در نقاط و مراکز متفرقه در تمام ارض علی الخصوص در حاصره و بنام
ممرز متفد مترین بلاد در اقصی ممالک شرق چنان شقاوتی ظاهر نموده و
علت خسارت و زیان و تعاست و وبالی گشته که اسباب و سبب
و مخرج و وقع آقا ایم مجاوره بلکه تمام عالم شده دول قاسمه و تعدیه عالم
بسیار و بیست و تخری و انجملالی و برخی در کمال غرور مشغول تخیل
اسباب و لوازم اتعام و اکیال آلات و ادوات قائلند تجارت
و صنایع در کل اقامه موقوف و قهر و حسیاج و علل و امراض با آنها

و جار

۳
و چار اخره نفوس و هزاران از بندگان بی گناه گشته بنا بر وقتیه و
فساد و ضعیفه و بعضا در قلوب و صدور و دل و افراد مشغول و مشغله
جانورش بویا فو ماده از دیار اکتشافات و اجزایات حدیثه
کل بسبب این روح فاسد که در جسم امکان بیاض است تمدن و
مساعده و تمسیر رؤسای و جنگجویان عالم و مخربین میان عالم انسانی
گشته حکومت در و ام مکانه و دو ماس عتیقه که یکدیگر گرفتار
در رؤسای او نیای امور پیش از پیش در خدمت میان تمدن تسامی و
جامد و تبارک و تعالی نیز عدل ستور و اقیاب انصاف
غفلت سحاب غرت و شوکت دین در انظار افراد و دول که از قبل
معروف و مشهور بدین و منک بودند الیوم سقوط و جمعی عجیب یافته
و مورد لطافت شده گشته عالم طبیعت باشد قوی الیوم بر خلق بکار
ستولی غفلت ارض و خود پرستی حرص و طمع هوی و هوس چه
و جفا تقلید و تصنع و عربت مغرطه در کمال شدت در نفوس ارض و
شریف است حکام یافته و غالب و حاکم شده عالم کون شده و حیران
نفوس کور خسته و پریشان سرگردان و هراسان در این عالم اقلالی
علیم افتاده و بعدالی الیم معذب در این قرن آتم و دور اطمینان
فعلایت و مساعدت برگزیدگان جمال قدم و فدایان اسم اعظم روحی است

الاعظم

۲
 الهی و لازم و واجب تا بدین حد این امری شد که بتاسل نجات رسد
 و در برای قیام و سعادت و صلح و سلام الی الابد غوص و حوص نماید
 حال در این همه عطشی صوت خف آملی که از جبهه این حزب مظلوم
 ایام تصاعدات و قوی گوشه د جهان و جانیان کرده که بهایان
 عالم از شرق و غرب متحد استفاق قدم را ثابت نمایند و
 بحیثیت و استقامت و صراحت و انقطاع اقتدا و تاسی بان مولای
 و حید حضرت عبداللہ آموده در سبیل تبلیغ مداومت کنند
 و استقامت نمایند حقائق بدیع امر الله را کافرا تحصیل نموده بایع
 بیان بسط و شرح دهند و تبلیغ نمایند و در نهایت تجرد
 و طهارت و سکون منتظر و منتظرند نزول

لا اکتفای از راحت کبریا
 کردند چه که و عود آینه
 حضرت صریح
 استقامت
 شوقی

۱۳۱۳
 در گاه بنده حضرت عبداللہ آموده علی کبر و روح استنخا نموده ۲۴۲ حوت ۱۳۱۳

بیجان باو فار از این بقاع مقدسه علیا تکبیر ابدی کبیر از اخبار مسروره
 که دال بر آسایش و راحتی و آسودگی حالیه باران ستم دیده ایران بود استعاش سرور
 و بخت حاصل در خصوص تجدید انتخابات سالیانه محافل مقدسه روحانی از لوازم ضروری
 آنکه انجمن مقدس مرکزی در ایام نوروز در وقت مخصوصی در بین تمام باران و نقاط
 و صفحات ایران توزیع و انتشار دهد و انظار عموم را بطالب مندرجه در نامه
 بتاریخ ۲۷ شباط ۱۹۲۳ متوجه و منعطف سازد و تاکید شدید نماید و افراد
 محافل را من و دون استنثار رغیب و تشجیح کند و تذکره تعلیم دهد تا انشا الله
 بمنه و قدرته و هدایت محافل روحانیه در بر شهره قریه فی در ایام سعید ضوان و تنها
 جلوه و شکوه و منانت و کمال و الفت و اتحاد انتخابات سنویه انجام پذیرد تا
 پس از انتخابات فوراً بر مبنای خصوصی بواسطه فکشی خویش اسامی اعضای منتخب مع عنوان
 فکشی از محفل مرکزی طهران ارسال دارند تا این محفل مقدس مرکزی جمیع او را فرامین
 نموده سرعیا با رض اقدس بنام اینجبار ارسال دارند امیدوارم در این امر لازم و
 تاخیر هیچ وجه حاصل نگردد و باین واسطه مخابرات و مراسلات امریه در بین شرق
 و غرب من و دون واسطه مستقیماً کما یمنی و لیقن تأسیس شود و اشاع باید و منتظم گردد
 ایدنا الله و ایاکم علی حفظ امره و انتشار آثاره و استحکام شریعتیه بین العالمین
 بنده استعاش شوقی

۱۳۱۳
 در گاه بنده حضرت عبداللہ آموده علی کبر و روح استنخا نموده ۲۴۲ حوت ۱۳۱۳

لاسطه فخری محفل مقدس روحانی طهران
روحانی مدینه طهران ایچم ایدرشد بدعوی ملاطه
ای سادیان امرالمی روحی ملتکم و استقامتکم الغدا و در امر
مره ۱۱۶۵ و ۱۲۴۲ مع محتویات آن کلاماً انسان محفل مقدس
آندس و اهل و ارضمون بحجت و سرور و امید و آری حاصلی گردید
اکم شد که باران بصورت و شکر آن اقلیم جدیدت در مصداقین و امان
منبرج و از ظلم و ستم و تعدی و فساد فی الجمله مضمون فرموده این
دلیل در احسان توجه و تضرع باستان مقدس انوالی جلاله و
از انماق قلب موفقت و مصوت و راحی و سرور آن
جلیده مجتهد را سنت فیما یم نایب طائف مقدسه متوجه مکران
نویس در انجام امور از خیر نیات و کلیات کما به سببی لایحه و
کتاب قیام نماید تا بقوه تعالیم حضرت بجا آید و هدایت
روح مقدس حضرت عبدالبهاء آن نماید کان باران المی و خدا
امر رحمانی در ظل حکومت عادل و با اثر رعایت حسن سلوک
از کیمای امور ترویج و حکیم اساس این امین مقدس که خادم مصالح ایران
و عالمان است در نهایت آزادی و حکمت و دانست و اقدار
است در و مسئول گردید و تدریج تاسیس و ترویج اسباب نجات

و آسایش و عسدران آن کشور مقدس بلکه نام جهان و جهانیان بیا
از آن مولای حق توانا رجا و ثنا ما بگویم که این اوضاع حالیه دوام و استقامت
یابد و این تدابیر و اجراءات اخیره یونانیون اساساً مشتمل بر
دو اثره اش و سیمتر گردد و حسن نیت و خیرخواهی احبب
و فعالیت آن روح محرکه نافذ مودعه در تقابلیم حضرت بهار الله
بروینبوع و شرف و حاکم و محکوم مشهود و واضح شود و
بتدریج موانع زائل گردد و وعود الهیه جسلوه نماید و تحقق یابد
اعضای محترمه آن محفل نورانی که مرکز و محور خدمات امریه تمام
آن کشور است باید دقیقگی در تقفد و ملاحظت و مساعدت
و رسیدگی باحوال مشکوین و مظلومین و عجز و محتاجین از بار
و اغیار احوال نمایند و غفلت نکنند هر چند اجرای
این امر خطیر که از محاسن امور محسوب است این ایام کاملاً مشکل
و اسباب مادیه از برای ست تمام احتیاجات مکتلاً محبت است
ولی منت و سعی لازم که بهر نحوی ممکن حتی لساناً و شفاهاً و لوبغاً و غیره
چری و دستگیری و ملاحظتی مظلومین و مشکوین گردد و امید است
عزت و اهمیت و سیمو مقام و لزوم است محافل روحانی که مرجع
و خدمه اجازة انذار است محکوم و واضح شود و محبت و تعلق از برای

بمانندگان خویش یونانیون ما از دبا و باید ترجمه کتاب سستاب
اقدس بواسطه جناب فاضل یزدی ایدة الله علی شیهه آثاره و
ترویج کلماته بارض اقدس واصل و چون طبع و نشر آن حال موافق
و مناسب اوضاع حالیه ایران است نسخ آن نزد این عبد محفوظ است
تا آنکه از الله من بعد دستور العمل مخصوصی و کاملی بواسطه محفل روحانی
طهران ابلاغ گردد و این امر محتمل تحقق یابد
تسلیع صد لیره که اجای جانفشان ایران دوباره اعانه به دستمان
سندیده المان فرستاده اند فوراً بواسطه محفل مقدس
روحانی جیفانزد محفل روحانی مرکزی المان ارسال شد و فی
تسلیع با وجود عدم اسباب و عسرت مالی مساعدتی کامل
آن عزیزان حضرت عبدالباقا گوید و شبیهی نیست که در
تسلیع این خدمات برکت الهیه شامل اجای هر یک از این موارد
و اسباب علو امر الله در ممالک و این عسرت و عسرت

تسلیع بود و اعضای محفل روحانی
حضرت میل مسنون و تسلیع
تسلیع و خدمات روحانی

سئلت بنمایم از اقدام بنده مؤمن منقطع جان فشان
 جناب آقا میرزا علی محمد خان موافق کثرانته امثالہ متاخر گشتم
 فی الحقیقہ این عمل شایان تقدیر است و قابل برگزینفت
 و ستایش و بیخوف فراموشش نمایم و آنچه را ارسال
 داشته اند در ارض مقدس نزد این عبد با اسم مبارک
 ایشان سالما محفوظ است مطمئن و مسترج باشند
 امیدم چنان است که عده چنین نفوس جلیله خالصه موقفه فی
 که فی الحقیقہ از فدائیان جمال مبارکند و از بندگان عزیز
 حضرت عبدالباق محبوب روز بروز زیادتر گردد تا جلوه
 ابرامند پذیر شود و قوه کلمه الله ظاهر گردد از برای کل

الطاف و عنایات حضرت
 یزدان را طالب و متمسک
 و بنیاد برکت در جواری طایع
 حلیا تذکر و تالیس
 بنده مستان شوقی

حج و زیارت و غیره از آن بزرگواران
 و در این باره آن بزرگواران را در حق تعالی
 و در حق تعالی و در حق تعالی و در حق تعالی

بماینان عالم در شرق و غرب ملاحظه نمایند

در این بین که این مسکین از ارض مفضوه و مجور و در آتش سرت و حرمان سوزان دور
 گوشه انزوا از بیکانه و آشنایان دور و در کنار پنهان قلب متلاطم و روح در جست
 که نور اقلیم را برداشته و تو فلک علی الله مافی الضمیر خود را بعموم بماینان در کل بلاد اهل
 و ابلع بنمایم و باینچند ظلمه که بر عرفی از آن از خاطری آزرده و دلی شکسته صادر و
 معشت است باران شرق و غرب را در نهایت عالم و تجلت متذکر میدارم که ای
 اهل بها و برگزیدگان حضرت کبریا شهادت میدهم که حضرت عالی و جمال
 روح مقدس حضرت عبدالباق از اوج علی بر این عزیزان طرند و بر حال هر عالم
 واقف بر سره شاهد و گویند که در این دو سال بر طلال بر این عاجز مستمند چه
 وارد گشته خبر دهمش از صعود بیکجا مولای شفق و خونم چنان ارکان وجود مرا
 نصیب و متزلزل ساخت که هنوز از اثر آن اثرات شدید سکون و قرار مفقود
 میمون الواح و وصایای مقدسه و فقرات و مسدودات همیشه و او را بر سر
 محکم این جهان حل ثقیلی بر کتف این ناتوان نهاد و مسئولیت عظیمی تو لید کرد که از
 نصف و میانش عاجز و قاصر م ولی با وجود این آلام و احزان وارد و صدقات
 و انقباضات روحیه چون دیده اینه بصب دایت کبرایش متوجه بود و قلب
 در آن بیاحتشاش مرتبط و از روح مقدس مستمد و بر تائیدات قضیه
 پیشانی منکل و بوعود صریحش امیدوار و متوسل این ارگرا انکی کیفیت

و این شعله همان فی الجمله نیست علی الخصوص که بعد از فرقت جان و شش و اعلان
 انقضا این واقعه موله فیه مظلومه از مؤمنین و مومنات در کل اقطار زمین و
 قری من دون استماع علم استقامت بر او هستند و در نهایت رشادت و جلال
 و ثبات و جدیت و حرارت بخدمت و نصرت عراست وین مبین قیام نمودند
 و از صراط مستقیم منحرف نگشتند و باطل نقض و فتور ادنی تقریبی نگشتند و بسبب
 امزش و اعطای بگناهش جان و اموال و راحت و عزت ایشان فرمودند و در ترویج کمال
 بهی طبع و اندامی بدیع اظهار داشتند در این موارد آنچه اجرا نمودند شایان تمجید و
 تقدیر است و سخن برگزیده است و ستایش هر چند این بعد فاسد از شدت آلم و
 دستگی گنبا و لسانا کاینی و بلیق ستایش و توصیف و تقدیر و اظهار امتنان در
 مقابل این موهبت عظمی و همت کبری آن شهیدان فدایان سابق آلمی نمود ولی
 شبهه نبوده و نیست که اجرشان عند الله عظیم استیم بجه قیام و ثباتی از صحنه
 روزگار فرمود و این عشق و فدائاری در راحت کبریا فراموش نشود و نابود نگردد
 ولی آنچه سبب اصلی و علت اولیه بگرانی و افسردگی این دلشنگ شد و بر غم و غصه
 این مصیبت کبری افزوده و متاسفانه این بیدار بنگاشتن این نامه داداشته و تولید
 مشاغل متنوعه نموده که بر یک اسباب تاخر و ضعف امر مقدس آلمی است همانا عدم
 الفت و تعاون حقیقی درین اجبار است نمیدانید که آثار و علامت عدم صفای
 مؤمنین بلکه ادنی شایبه دلشنگی و برودت و اغیر از این جمیع اجاب چه قدر اسباب غفلت

و نویسن و زینب این امر است و علت غلبت و جبر و شرمساری این بعد و
 بجهت بی ضرر و مخالف بد اساس شریعتانند چون تمام نفع و لوازشش فروردن و عموم
 نمایان و مشهور گردد روح نباض و کل امر الله را از جلوه و نفوذ باز دارد و بتدریج منضم نماید
 تمام اقدامات محمود است این سنین متوالیه را از هر گونه شر و تیر و اثری ممنوع و محروم دارد
 و گروه مقبلین و طالبین را بزار فرسنگ از این معین حیات و بسبب نجات دور نماید و ستر
 سازد و حقیقت ساطعه مشعشع این آلمی مقدس را در انظار جمهور علی الخصوص در نظر تشریف و تیز
 و دانشندان عالم بطلان او نام تبدیل نماید و حرمت و امتیاز و شرافت و علاوت او را
 بهائی را ختم و متذکره از نظر بار و اخبار محمود را نقل کند و بمن و بلا و متاعب و انحصار
 اجزاء و مؤسین و شهیدای این امر عزیز را حاقبت در دهد بدخلاف و شفاق و فساد را
 در مراکز امریه پدید آید و در نظام و مشیرت محافل روحانی که ایوم از سالی است
 عدل آئینت و بکار محروم و مرجع شئون امریه خطی عظیم و ترغیبی شد بد فراموش آرد این بنده
 شرمند این روح کدره را از قبل و بعد خصوصاً در این ادوار عالمی مختلفه چه در چه نزدیک
 سالیان استقام نمود و بر شئون حالات و معاملات و در و ابلا سف آرد باران آید که
 خبر و واقف گردید چه قدر در این موارد وصف حال و ذکر و بیان حقیقت واقع
 است و مشکل است ولی بجهت شریح و متاثرم که خود را مکلف بر آن نمیم که موافق حقیقی
 احساسات و وجدانی خویش را بآن بایران که در خدمت امر الله مؤمنان و هم در شریک
 شد اظهار و ابراز نمایم و بر مقاب القلوب اعتماد و اتکال نموده آنچه در اعماق این قلب غفلت

در بیان صحت کشف و بیان کنیم در این امر چه محافل و عبادت و اگر تمام اینها بس و
 بروج کشت و مقدمات نظام و دست و تقدیر مبارک بحسب ظاهر وضع و اجرا کردیم
 عدم استلاف و قدتفه و اعتماد بیدریج ظاهر و نمایان و بیوفای و باز دیابت آثار استقامت
 و تعاضل و اجمال و عدم تعاون و اهتمام و رقابت و شکایت از مضمون و فحوا و شکایت
 و آرد معلوم و مفهوم کشت و اسباب خلاف و شقاق بجزی غیر مستقیم فراهم گردید
 بجهتیکه تاسیس محل روحانی که مقصد اولیه آن قلع و قمع ریشه بر خصومت و جدالت
 کم کم اسباب تفرقه و نزاع و تخریب و بدال در بین احباب گردید و توفه و دفعه کلمه
 مجوس نمود و روح از او بر تائیر این امر مبارک را از جریان و سرمان باز داشت
 حتی بعضی مواقع علی الخصوص در نقطه که مجاور ارض مقدسه است تولید بغض و عناد و حسنی و کزانی
 نمود و اسباب تفرقه و توبین و مخالفت کشت و بیم آن بود که نظریه با اساس و نظم و وحدت
 جمع اصل بساوار گردد و مرم و مناسبت در معاومت و قلع ریشه فساد بر ریشه و خلاف
 می آفرود و سکوت و عدم اعتنا محل در نظام امر و مروج مقاصد سینه خود خوانان میگشت
 دیگر معلوم است که از این جهت موله و امور مشوشه چه قدر که در تخریب و فساد حاصل
 اگر اجرای و حسابی مقدسه و بروج مصالح محافل روحانیه امر استر از نشو و نما و ارتقا
 و تقدم باز دارد دیگر چه سبیل و چاره از برای این چارگان باقی اگر در اولین قدم
 و این و فتور حاصل جلوه و ظهور نوایای مقدسه دیگر چه وقت ممکن اگر برودان این
 مندرک نجات دهنده عالی است و ادعای مقصد شایع جانیان بنابر ذکر قرار و توفیق

و از الفت و سخا محروم چگونه علم و حدت عالم انسانیزاد و حسب اتفاق مرتفع مانده اند
 صیفت و عین بنمید و خود از ذریع اعمق بی بهره و نصیب چگونه توانستند علم و استقامت
 و امر امر مسئولیه بر افراد و مل را شفای حقیقی دهند ایوم اساس اعظم و نیزان کمال
 و فارق بین حق و باطل اخلاق است تا قوال بر ضربی که دارای آن باشد مویب است
 و من لدی الحق و بر طائفه از آن محروم باطل است و از فضل و ناید الهی محروم
 نام و نشان دلیل و برهان اگر مویب و توأم بحسن روش و سلوک و اخلاق است
 باشد در این عصر نوم و مطرود جهان و جانیان است و حسن اخلاق کمال است
 ظاهر حسن سلوک و رفتار و یکاگی و الفت و اتحاد و اتفاق و حسن معاملات و حسن
 کلمات و تعاون و تعاضد ستمی و محبت و خلوص نیت و صفای نیت و
 حسن صداقت و امانت نامه الاقربا باریان است چه که این صفات همه که در عالم
 آن حاصل و مجربند اولین و آخرین دلیل مقنع و برهان کافی لامع این آئین الهی است
 و بجا است و بجا میز بهایان از ساز طوائف و امم مقصد اصلی عموم انبیا
 است و بجا مقصد و مطلوب و منتهای آرزوی حضرت اعلی و جمال امی و
 شد بعد از آن چه که مقصد از شهادت حضرت اعلی و نفی و زندانی و اسارت جمال
 و تنگ دم شده و مناعب و پایای لایحه ای حضرت جد البه تاسیس سلطنتی
 و شرفی نازد و بروج طریقت و عینی مخصوص نبوده بلکه مقصد حصول قدم
 است یعنی اخوت نوع بشر اگر نه جنبش عینی اینها

من بعد دنیا را در دوزخ است که ایضا در عالم غیب است که هرگز
 کس از آنجا در دنیا نیاید و چه که بعضی عینی اند که در این عالم سکونت کرده و بعد از آن
 کرده باحال ضری آن حاصل شده و علت زینت توین که در آن است که طاقت آنست
 باعد از بشهر و طاهر کرده و سادی سامیه الیه معروف است شود ولی چگونه که عدم
 الفتن تعاون و تقاضی که درین باران اخیر از باد یافته از او در ضرورتی که گشای الهیه
 غیر و نه فایده بر آن مترتب بلکه شرف و جلالت و حسرت این است که در حال معوی
 این تغییر و از حال حاصل و در مقام بواجب و وظائف مقدسه خویش فتور و تصور واقع و چون این
 از فضا و عالیتر از این عالم غیر ممکن است اما چاره آنست که احتیاط نمودم و در کمال استقامت
 که از حال تعلقات سر بیده دیده که از بارگاه جلالش متوجه ساخته فرج الهی را نیاید و نه بار
 از برای خود و باران عالم تا انشاء الله روزی که کاس تقوی صافیه اجناس است بر این کعبه منطبق
 کرده و در روح قدسیه الفتن و در او این روح پرورده را خود و طرب استر از او با حرم
 در شان و آن مصلحت کاملان آشیان عالم و رشته کینه ترا به است گرفته با قلبی و شدت
 و حسنات بسیار معادست و فتنه انوسن که خالصه طبیعتی است بهین و خود البته و توانا
 مقدسه حضرت الهی را در دم تا چنین گردد و محسوس الفتن و داد و اتفاق استخوان
 و این امر مستحق بهر منتظرند آینهی سوخته و بیست یک مرتبه از این گفتن هر آینه سوخته
 عالی احوال مرغی از کمالی است که از سیر احوالین بیایند آستمالش شوند
 من بعد از این که در دوزخ است که ایضا در عالم غیب است که هرگز

بواسطه اخصای خدیجه بنی سنی و سنائی مرکزی بیان اجای آتی و اما ازین قدیم قدیم بیان
 اینست نمایند
 اینها را بشیون و بسجده آقا و فایقی که از این استندال سنبل است مدیدی در گوشه
 بیخاست و در بیان اسف حرمان پیوزاید ربنا علیهم جمال قدیم شاه و گو اوست که از
 مجاری او در این شهور اخیر به بچه جدی لول و تناسخ افسوس حسین که شدت
 فشار این بنده شرمسار از میدان عمل بر او بیکوت و خاموشی منتقل نمود و ندانی از ویضا
 مترا که میرنده مقدسه خویش کفلی باز داشت از طرفی در شرق عالم دشمنان یرین که کبرین
 در کینند و دست را غیبت شده و دفعه واحده مجموعی غلبه بر جنود ثابته حکومت نموده
 لطافی شده و بعد از آن بدید بر آن ستم گین ساده دلان در او آورده و آن سباع ضایع
 از شدت رعب خوف از حلاکت غره کنان طویر شکور از زان و آشیانه خود دور نمود
 بال و پر گینند و میرو سامان ساختند و آن ذابک کاسره خود سران غزالان آبی راد
 چنان تعدی جدا گرفته دم منظره و شبیه مظلوم را یکی در بر و دیگری رادر ارض خان با دیده عشق
 بر خینند و بزوه شادوت کبری برسانند و از طرفی دیگر در بلاد مستعد عرب در عامه
 معتقترین ممالک عالم اسبابی خارق العاده و وسایلی کامله از برای ارتفاع صیانت اسم اعظم با
 در اسم گردید انجمنی شکل آبت و اخصای مخزن آن که هر یک از شما میر رجال و دانشمند
 عالم و ارکان علم و دینند بصرافت طبع و در کمال دوستی و احترام نمایند این امر بین ما
 دعوت استراک در آن انجمن نموده طلب کشف حجت و بران کردند هزار افسوس که میکان
 در مصروف مچه و قایق موله اند که جاگزازی و چو افادات غیر منتظره قضا این عبد بسرا
 روح

من آرزو و دست بسته بقم نشسته در حالی بود که چاره جز شکوت و دوری نیست
و مغزی جز بر شکیبائی نجات حال که بد تقدیر آبی روزی امید بر این قفس محروم مفتوح
حساب تیره حزن و الم را اندکی مناشی کرد و این عباد و باره بسی این ایقان متذکر شوید
و گذشته را در وادی سببان مدفون ساخت خطابی انبیا اهل آرا آنچه که
اصل بها از افاق اجمعی بتلاذد خویش در ملک ادنی خطاب میفرماید ندانم و نخواهم
این ندانم مردم بگویش پیش بیان و فادارش متواکل که ای حیایان من اراق
ایم مردم ناظر و شاهدیم که در این سنوات اخیر بر آن فدایان و شهیدان چو وارث
گشته در آتش گرفت و حرمانم بوختید و باختید و از جای مدعیان محترم بایست
برسان گشتید زهر بر لبانی نوشیدید و چون کوه آتین بنیاد است بر طوفانی نمود
عواصف امتحان بلایای ناگهان وین و غللی در غم و شبستان و اردنیاورد و انقلاب
و صدمات داخله و زبای مستابعه شعله امید را در قلوب صافیه آن خواهر
نمود شبسات و دسانس حد و لودوم ادنی زرد و توقیفی در حال آن نفس که
تولید کرد و مساعی فحشاء آن خود پسند بی وفا اسباب شبهه و آریاب و زلز
و اضطراب نگردید بلکه مغربین در فردوس برین زبان بوصف و ثنایان گشودند
که هزار آفرین بر شما چه که در بجهت بلا حسن عباد را محافظه نمودید و از میراث
مغرب لاهل که قسمی بی زوال برداشتید استقامت در لوح محفوظ آتی ثبوت است
و انوارتان اراق عزت ابدیه الی الابد همان افروز آنچه واقع گشت چه از حد
احدا و ضای و دوا هر دو را اخبار نمودم و شمار از برای مجوم مرتب میباشم

من آنست که کردید بلکه در این سراج که احد از سیف اوق از شمر است
با دست کشید زیرا از استقامت اعلی تقرب به کل تحقق باید و بشارت طلوع مسیح
بجایه قد اقرت النساء فتوفت زون تملک انجی جو تسمه و دین الله علی الخلیل
بیان الله چندی زون تملک زمین خسران زمین حال ای برادران و خواهران
بر روحانی باید نظریه اقبامور نمود و از عوارض مشغول فانیه عالم امکان بپرازند
باید از این سید بعز می شدید و روحی جدید کل متحد چون نفس واحد حکمت و فزادگی
خبر از این سبیل رنج و بلا بانی مانده بفرج و نشاط طی نمایم تا انشاء الله در این چند
روزه مکانی خویش بیفته امر الله از طیفان طوفان برسد و بساط نجات
و امان رسد و اگر چنانچه اراده مطلقه بر این تعلق گرفت و مقصود آمال برود
خبر بخشد شیوه عشق و وفار که از رب عزیزان هشتاد سال تعلیم گرفتیم
بیار مانده گان خویش بیاموزیم در و چنین استقامت و ثبات را در قلوب و ثبات کلوت
زبان و ثبات خویش تا بس و مستحکم نمایم تا این امانت آسمانی و پیام بزدانی برود ایم
که هر آن که دوین و آسبی مصون مانده در اعصار و ادوار آتیه میل عالم را روی سجانی
در نوع بشر را از حیف و ذلت و خسران اوج آسمان رساند هر چند آنچه از رقم اصل تبار
گشته محموم است و واقع و حکم بر الزان مرفوع ولی بقدر قوه و امکان بسجده استقامت
در سبب فساد و نفاق و فتنه و افترا و منع اذیت و آزار و احقاق حق مظلومین و
میکسب سبب سرور و آسایش است آن ایان من حضرت عبد الباقی بدل و جان
در اقدام نماید و تصور کنید ولی آنچه در مقام اول واقع مجوم و کامل و ضامن سعادت است

باید
۵۴

۵۴

مذهب غایت محسوب و تئیه که در ذمه و حکام این است و آن غایت است
 و تئیه اولیای الهی و کبری و تئیه اولیای الهی و کبری و تئیه اولیای الهی و کبری
 مسلمات نام که در این مذهب در میان مسلمانان و آشکارا و پنهان
 این مکتب است و مکتوب است بر روی آیات کاشف و واضح کرده از کلمات
 آیه همین بدو که نقل شده اند که در کتب و خط است حکام اساس و حدیثی اصل با اولیای
 از این اتحاد و اتفاق و اجتناب از تضییع شایسته و عدم مداخله در امور سیاسی و نظامی
 طوائف و احزاب و در اوست در توسعه و تقویت اساس حکم متین بودت عدل الهی
 و استمرار هر یک از این محافل روحانیه از برای اجرای مواظبت و صلاح الهیه از قبیل تعمیر معارف
 و تثبیت عقول و تحمیل افکار و دفع تعصبات و ارتقاء مراتب نفسانیه و تربیت اجتهاد
 و تزیین مقام و آشنایی در بین طبقات نفوس و تحلیل معنی و آلام زندگانی و ترویج
 منافع عمومی و تشیید ارکان مسلمانی و ترویج دینی در بین تمام دول و ملل و طوائف
 اجناس مذاهب عالم باین محافل روحانیه که حال اساسی گشته
 شده و جنبه و متدیر جانشینت باین مقاصد عالی نماید تا از سایر مکتوبات
 و جنبه های منفرد و متراکه عالم افضل است از گروه و چون اصلاح هدایت
 کبری جهان آفرین بر آید و اعلی نماید این است اساس اصل با این است از این اصل
 میدان وسیع است و وسائل فراهم و بیبا و تشریح حکم علی نصره امری بجزود من اللغات علی

بنیاد عالمین ۱۳۲۴ سپتامبر ۱۳۲۴ بنده آستان شریفی
 فرزند محمد حسن خیریه بنیاد شریفی که در روز پنجشنبه ۱۳۲۴

باقی اعضای محترم و بجزیه بنفشه نجات طهران

بر او این روحانی و فاضل است این است و در این
 این و لشکری محزون را باین طریق شرحین بخشاید تمام عالم
 اعضای آن بجز محترم معلوم است و در روز و شب
 نمود و طائف محفل شوره بینه های آن در این ایام در
 نهایت درجه اجمیت است و در این
 اساس ایو ما فیو ما محکم است و در این
 اشاع و حیات است و در این
 نمایم مصلحتی باشد
 و در این است و در این

بواسطه مجلس مرکزی کشور و محسوس ایران امتداد است و است محترمه
اعضای محافل مجازیه و حائیه بحالیان و آقایم شوق طرازان
نمایند

ای سروران چند ملکوت حضرت رب انجود در این کور
موجود سپاه بیانی در عالم ملک برانجخت و در میادین قلوب
در قطعات نغمه بفتوحات روحانیه مأمور ساخت روح
بسم اعظم را در شکل آن جنیش عمرم بدید و با مدادات
غیبیه خویش و عدد داد جنود مجتهد را بدست آن برگزیدگان
سپرد و تاج عبودیت عظمی را بر فرق آن نمایندگان بنهاد
شرائط و وظائف پاسبانان لشکر حیات را در زبر و الواح
سین و تصریح فرمود و نامشیرین الویه نصر را بصراط استقیم و
سجده قویم دعوت و دلالت کرد حمد مقصود عالمیان را که در
پنجاه سال اخیر پس از افول کواکب پیمان چند رحمن و بر جمع
فرمان عبودیت الوثقای ایمان متمسک و از صهای اطمینان
در وقت هر چند نائره امتحان شعله اش بعبان آسمان و مهل
استقلین و حدیث شاق از شر و راهل موس و هوی نامون
شد در جنب ضلال چه از ستر زلین و دشمنان دیرین و چون

در پسند و پرکین کل در قلع و قمع امرانده آن نهال نازنین برکت بچاشند
ولی گره و دوشین چون کوه آتشین سبل اراجیف و عواصف
شبهات و مغربیات را مقاومت نمودند بر حسب آفات
گوناگون و تضییقات شدید و تعدیات متعابده مفسدین و
مغفلین بر مشکلات و مخاطر است حذب مظلوم بفرمود ولی اهل
بهار در محبت و وفائت و استوار کرد و سر موی از شاخه
هدایت کبری منحرف ساخت با یک جمال اجمعی است که
از عالم بالا منوسل یا ما العشاق بشری لکم بائتم علی المیشان
و ایتتم الشفاق و احترتم من اصل الشفاق و ایتتم
بالوفاء و المحبة و الولاء فی کل الافاق اذ انصرونی باعمالکم و
اضافکم و اقدامکم و مشروعتم انتم من الصادقین حال
ای نمیدانم محترم و فدائیان اسم عظیم شما که نخبه ابرارید و بر
سند بودت جالس این سئولیت عظمی را متکفاید و باین
شرف اتم و مقام اسنی مفتخر وقت آن است که این ندای
جائز را بجاست نمائید و مراحل عشق و وفاراطی نموده بجلال شما
تسبیح و تهلل قدم گذارید مبادی سایه و عواطف
شیرین و آمل تعبیه و استرزات روحانیه را در این یوم عظیم که

فخرایام است بمذل بجز آت نمیند و شبشات متقنه قنایست
عمومیت و مشروعات جلیله نمائید بتمحقق و بیان و افراز
و اعتراف و بسط و شرح خائق امریه اکتفا نمائید بلکه باین
این سراسر ناظر باشید و آن اخلاق حمیده و کمالات روحانیه
شیم الهیه حسن سلوک و معاد و ترک نقصات جاهلیه
شبت بنافع عمومی است اعلان و نصرت این آئین
ذاتی باین امور اساسی معلق و منوط و الا عاقبت خسران است
شیمانی و محرومیت است و پریشانی اهل بها حقیقت را
سختش نمائید و از اهل مجاز در احتراز بروج دافعه قاهره این امر
لا نبیا ما طرفه و از تعالید دنیسیه و اوامات عشیه سزارود
تاریقین مبین دانند که قوه محرکه این آئین آسمانی آزاد و مطلق
آسان است نه مقید بشود عالم امکان از عوارض کونیه
بنا بر مکرود و تبعیضات شخصی و میاکل زبانیه محدود نشود
سبب الاسباب است و از لغات روح القدس شنید
و این عصریه و فنون و کمالات آدویه و کشفیات بدیع
و استازان قوه و استازان حکمیه تصور روان بود که این
در سراسر عالم امداد و توفیق است و کونیت و کونیت

فایده و مآرب شخصیته گردد این است که پیر و ان ثابت قدم
 به مال آقدس ای از عوارض عالم ادنی ملول و آزرده نگردند و از
 لواقع افتتان متزلزل نشوند و از شوم روزیایا پرموده نگردند
 از وسائس بارقین و بختون و گران نشوند و از ارتداد و احتجاب
 معتبرین و شکسته و نمکین نگردند ای امتیای الهی شرق
 که مہبط انوار است و مطاع المسام مہد قدن الهی است
 و موطن اسلی جمیع انبیاء و رسل الیوم در دست احزاب ایر است
 و در جنگ امل تقلید و ریاست تلا نصیقات متعدد و شدید است
 و آزادی و جہان مفقود از طرفی عسیر و دایموی علمای سوز
 که در تقابل منہکند و از طرفی دیگر صلائی لامدہی کہ از تجدین و
 مشجدین مرتفع حرب بین مسلط بر جبال بگینا گشته و آنا از
 از باوای دینیہ مشتمل ساخته و مانع از بشیر تبلیغ علیی امر الله
 گشته و حرب شمال افکار جوانان پر استعداد را متوشش
 ساخته و از حرمت و تعلق بدین حبیبی باز داشته و از
 سراسر اسس شریف است محافل و محبت مودت و موف
 در آن علی محسوس است ای رحمن در این محیط محبتان استاز
 بر آیت محبت و محبت است و در این محبت است

ولی اجرشان در ملکوت غیب جزیل عقیبان احسن عدوان
 شعله امید را در قلوب صافیہ شان خاموش نماید و تراکم
 موانع و دوفور زایا و عدم تقیت نفوس و فقدان وسائط
 سبب مر و جین امر حضرت رب الارباب را از ایفای
 وظائف معلومه و پیشرفت مناصد عالیہ و اجرای احکام
 الهیہ ممنوع سازد این است شأن و مقام و منزلت
 رفیعت و اعتبار بجا نیان از سائر علل و اقوام و الایمت
 و اقدام و ثبات و جانفشانی را در مہد امنیت و کامرانی
 بیلوله و فیصلت و فادرموارد بلا و شہامت و منانت
 محبوبه شفت و محنت لازال از خصائل و سجایای این فئد
 جلوه کرده حیف است اخلاف بشیم ممدوحه اسلاف
 این و متخلف نگردند و در مسالک آن یاران متحن ستمدیده
 بی و سلوک نمایند
 حیف است و طائف اعضای محافل روحانیہ در این ایام اعلان و اثبات
 است این مقدس حضرت بہار است امر عزیز است
 حکامین کشور و یا آزادی و یا حزبی ندہشته و ندارد و
 این عمومی است و نقطه نظر گاہش نجات و وحدت عالم

انسانی کو کب بختیش بر جانان از قریب و بعید و وضع و
 شریف و مقبل و معرض پر تو افکنده و بچوان نقش ظل و شکل
 خاور و باختر را دعوت فرموده ولی این مدعا را باید بمسئل
 اثبات نمود و بقول واعتراف اکتفا نکرد امیدوارم
 بتدریج چون اسباب مهیا گردد محافل بهایان بشروعات
 عمومی مباشرت نمایند و به تبرقات خسیرت و اعانه عجزه
 چه از اغیار و چه از اخیار پردازند تا آشنا و بیگانه شهادت
 دهند که اهل بهار از تعصبات ممدکنارند و بمصالح حقیقت
 نوع بشر ناظر و متمسک عالم بینند نه خود بین مفتون
 حقیقتند و از حیث جاهلیت فارغ و آزاد

و از جمله فرائض اصحاب شور و قیامت و میانست امرانند است
 باید بوسائل متقنه همکل الطف ارق امرانند در انقیاس اهل ریب
 و ضلال و شتر اشرار و دسائس خائنین و شبیهات مغزین
 دستر آ جاہلین و نفاق باعقین خراست نمایند و حدت
 جمع اهل عبار از اختلاف آراء و سوز تقابلات و تحریکات
 بدخواهان و بسته جوایز محافظ نمایند از هر مصط و بیایست
 امرانند از در موری و کل بر طاعت و در عین دیگر است

غدا اهل بعضا شوند و بر خصومت و عداوت آنان نیز آیند در
 مواقع مخصوصه چشم از عبوب اهل قنور پوشند و بالعکس معاطه نمایند
 و راه مسامحه پیش گیرند ولی بیدار و هشیار باشند تا در دام
 اهل خدعه و تزویر گرفتار نشوند و فریب مغرضین نخورند

و از جمله فرائض اعضای محافل روحانیه ترویج امر تبلیغ است باید جوانان را
 علم تبلیغ بیاموزند و بر معلومات امریه و علمیه و ادبیه آنان سفیر آیند
 اسلوب و سخن خطابه های حضرت عبداله با در بلاد غرب آشنا نمایند
 شرایط بلیغین که در کتب و صحف ثبوتی مذکور است از نفوس
 قائم زکیه نقطه را بنقاط بعید در ممالک آزاد اعزام نمایند و در
 عادت و موافقت و محبت و موافقت با همندین و مقبلین سی بلخ
 ستر آمدن دول دارند این اساس اساس شریف است البته
 است بازرگ سعادویه این است مدار عزت و سعادت ابدیه

فرائض جوانان

و از جمله فرائض جوانان روحانیه تعمیر معارف نامیس مدارس
 و کلاسها و لوازم تحصیل از برای عموم بین و بنات است هر
 روز و در وقت استخوانی از هر سن علم قرابت و کلمات را کلمات
 در کتب و صحف ثبوتی و در عین تقدیر سعادت استقامت خویش

محمود و مقدس مسلم و هر سرد و متمدنی در ساحت آن منتقم قهار مقصر
 رسول و مراد و بی مصاحبت و مرافقت با کفار لمحدین و خائنان
 پر کین و بیوفایان خود بین و رعایت و مهربانی بدشمنان الهی
 ذنبی است جسیم و اخراجی است عظیم اضراط مستقیم الهی ولی نفس
 از داد و محبوسیت و ترک عقیده حقوق بدین شرعیة افراد از داد
 بیچوبه من الوجوه بقدر رسم ابر و تخفیف و تغییر نپذیرد و الا اهل
 بهابساط پیشینان را در این تشنه شمع نورانی دوباره بگستراند
 و آتش تعصب و حمت جاهلیت را در صدور برافروزند و خود را از
 مواهب جلیده این بوم موعود محروم سازند و تائید است
 البته را در این روز قیام و زار ظهور و بروز باز دارند چنانست
 ذیل تقدیس را باین او نام و شئون ناشایسته الوده نمایم
 ز بنا و قضا علی معزده امرک العظیم و الخلق بخلقک الکریم
 و السلوک فی منجک القوم بفضلک القدم وجودک
 اسمیک انک انت اللعیم انک انت الرحمن الرحیم
 بنده است شوقی

اعضای محترمه محفل مقدس روحانی طهران عظیم الله و اید همس ملاحظه نماید
 اندیکم بروحی با اجتهاد الله و امثابه من عباد و اولاد محترمه انابه و علام شور و
 و همت و خدمت باران از مکاتب و اصلا از انسا مان طایر و اسکا کت
 در آنکه و فایده استغناست و جانفشانی در امر الله از رسائل محافل باران
 در افراد اجاد در بدین طهر ان منصوص این عهد و احیان مناجات اهل
 در گاه الهی مزید توفیق و رفع موانع و مشکلات و حفظ و صیانت اجتهاد الله
 همونا و اعضای محترمه محفل روحانرا خصوصا طالب علمین شایسته
 است که اگر باران تمام قوی در نهایت الفت و اتحاد و عیام نمایند و در کت
 کنند و عده های آهسته یک یک نختن باید و بشارت از من طایر
 کل افض و کل معاند ظلم بنماها جلوه گر گردد اولین امر محفل روحانی
 ۲۲۲۲ و اصل کت بدقت فرات کرده و علت سرور و اطمینان
 از اقدامات و مهم عالیه اعضای محفل تهذیب اطلاق حاصل شد اینهم چنان است
 اعضای این محفل بر خدمات عظیمه فی دستگیر ایام موفق گردید و من نام الوجوه هر
 کت سرش جوانان شوند از اقدامات باران ایران و معاونت کلی از
 علی ارتفاع بیان رفیع مشرق الاذکار امریک علی خصوص ضرات باران
 و خصوص محفل این امر تم انتخاب نموده اند نهایت سرور و استیلا حاصل گشت
 برای

در کتاب علم عالی و فنون نافه و لغات مختلفه و
 حرف و صنایع موجوده بمت و سعی موفور بسدول نماید
 اعانه و دستگیری اطفال فقرا در کسب این کمالات علی
 الخصوص در تحصیل مبادی اولیه بر اعضای محافل روحانیه فرض و
 واجب و از فرائض مقدسه و جدائیه انسانی الهی در جمیع بلاد
 محسوب ۵ *ان الذی ربی اینه اوانا من الالباب کانه*
ربی احد ابناى علیه بهائی و عنایى و رحمتى الی سبقت العالمین
 و از جمله فرائض اصل شور خط عیقل امر استوار است از تمایل بخاصا
 سیاسیة و از داخله در شئون فرق و اقوام متحاربه و از
 مشارکت در مباحثات و مناظرات و منازعات اضرب
 متبافضه مترایده است اصل بسیار خد مجت و خدمت
 بنوع بشر معروف و مشهور و مقومند و در بدل بمت در ترویج
 مصالح عمومیة عالم انسان مشار با بسنان ولی با وطن
 خویش نیز تعلق و تمسک شدید دارند و بر سلطه عادلانی را
 ستایش و پرستش نمایند آنچه را حکام و اولیای امور
 و من عزیز قرار دهند و هر گاه اعدا نمایند و بر قانون
 وضع کنند بهایان قوراد در نهایت علوم و حدیث و غیر

خواجی و صداقت و امانت قلبا و نفسا و اسناد و کل نقاط و
 جمیع شئون و احوال طاعت نمایند و ببقه رسم ابرو لغت
 نمایند و بجاهل کنند و انحراف بنویند بهایان از
 تمام طبقات مستعد و فقط بلکه نشسته خدمت بمصالح حقیقی
 آیتند و از نادون آن در کنار بیدارند و بهوشیار
 و میزند و درست گردار بر یک بجل المتین مبادی رفیع
 این مجمل خویش تمام قوی مشبهند و از سبب اسباب
 شمشیری و طمس که بو طائفی نائل گردند و بما موریتی موفق شوند که
 بواسطه آن مقصد از عیب این خرب ستمند را در انظار عموم جلوه
 دهد و مآرب و نوایای خالصه خود را با بنیان وطن نمایند و
 برای خویش را اثبات کنند و طیفه محافل روحانیه شعب و
 این و جلب انظار و رفع سوء تفاهات و تمسک و یدای و ایجاد
 سببالات در این امور و شئون است در جمیع النوازل این
 اصل ناظر باشند و در معانی مواد و حد و در آن تفحص کنند
 شش احوال نموسیکه است و در این صورت است
 در این صورت است و این است

دار و مخالف محافل روحانیه مخابره مستمری با تمام نقاط امریه در
 شرق و غرب عالم بهائی و تبادل افکار و استحکام روابط
 و موصلات و کسب اطلاع بر اقدامات و احتیاجات
 و خیالات و تاسیسات یکدیگر است ترقی سریع امریه
 مشروط بتعاون و تعاضد تعاون و تعاضد مشروط بحسن
 تفاهم و حسن تفاهم مشروط بتبادل آراء و مخابره با یکدیگر و
 استشاره از یکدیگر است و این تبادل آراء در این اوقات
 حاضره جزو بسینده مکانیه و مرسله ممکنه محافل محلی عمومیه
 و محافل مرکزی خصوصاً در تمام اقالیم شرق باید رستما مستمر
 مرسله با محافل محلی و مرکزی اقالیم غرب نمایند و کسب
 معلومات کنند و خبری حقائق نمایند و مطلع بشوند و
 گزارشات و اوضاع و حالات یکدیگر گردند کسب محنت
 و فضائل یکدیگر نمایند و از معایب و در ذایل احتراز کنند
 و از نقطه اشتراک نام نمایند تا جامع بهائی از معایب
 کون سالیات در هر نقطه کمالات نامتجانسه یکدیگر
 در هر کسب کسب کسب کسب و جلوه می نماید
 و در این معنی که در هر نقطه از عالم روحانیه تالیف و تالیفات

امریه عالم بهائی است . انشای الهی باید و لشکر انشا و انوار
 نفوذ و تخفیم و ترتیب و توسعه و انوار این مجله است امریه باشند
 اخبار و بشارت روحانیه را مقرر از این عنوان مجله است امریه
 استثنائاً ارسال نمایند و اخبار را به اشتراک و خبرغات
 و تخریر مقالات تشویق کنند و هر گونه مساعدت مالی و ادبی
 نمایند تا انشا الله تعالی این مجله است امریه را برای صحایف تعالیم
 الهیه و وقایع تاریخیه و اقدامات محافل روحانیه شرق
 و غرب گردد و انعکاسات بدیداشش هم تحفیری مطلق و
 آگاه سازد و بشریفه بعبادت نماید
 و از فرائض محافل روحانیه تشویق نفوس در اداره و توسعه
 و انوار و صدق خیریه یاران است باید انشای الهی به شرف
 مستمر و خویش سر مشق افراد گردند و بقدر امکان بصندوق
 مرکز محفل مرکزی تسلیم خویش مجتمعاً اعانه مالی ارسال دارند
 و فرائض و هدایایه یاران الهی چه از انجمن و چه از غیر او چه از اعضا
 محافل و چه غیر آن در دسترس یکنه و فزونی اشتراک در این امر خیریه
 است بنفوس عاجزانه و مطالبه شخصی مقرر بصلح امریه اگر چه
 روی افراد چه در مواقع عبرت و چه در ایام رفاهیت بقدر وسع استطاعت محافل

لطیف خاطر مستقامتینا بجل غصوی علی انحصار محفل مرکزی اقدیم نشاعانه تقدیم یا مسکن
شرفیاد او رکنه مبالغ کلی نزد امنای جمن حسن شو و در حین
جسباج صرف اعانه مخابین و تاسیس مشروعات مهمه و ترویج
منافع عمومی و انتشار شریعت الهیه گردد میسر باید
انفوا مارزقم به ان کتم فقرا اینسبکم الله من فضله انه کان علی کل
شیء قذیرا فنوف یجری الله الذین آمنوا ثم انفقوا حسن البخر
من عنده فیدخلهم فی رضوان قدس قدیم

این است فرائض خدام ملکوت این است تقوی و عظم وسائل
اعلان امر الهی امید این عهد ناتوان چنان است اعضای این محافل
نورانیه بسا خدمت و معاونت بجهت مای امریه که بمنزله ایادی واجبه
مخلد در مسابقه روحی از یکدیگر سبقت جویند و شعله نور بسین را
در مشرق زمین برافروزند و در اعلی العلیین در زمره مقربین محشور
شوند ربنا اجعل ایادی امرک المثلین لشریکک السماء و اعداء
خلقک و رعاة انعامک بین العالمین

۸ جون ۱۹۲۵ بنده آتاش

شوقی

فرمانده دکه بنده آستان حضرت عبداله باقر شانه عا کبر روخا استنخ نموا ۲۵ و بجهت

یا منار الله واصفیان فی بلاد

محویات نامه اخیر آن برادران : حالی راجع بشقاوت سشار و بیات و
الام وارده بر برابر او اخبار سباب حیرت و حزن شدید گردید فوراً بمالک
غربنامه فی نگاشته شد تا محافل غرب تمامها بر مجاری امور و تعذبات
وارده و اوضاع عالییه مستحضره مطلع گردند و اگر چنانچه اولیای امور
پس از اقدامات اخیر محفل مرکزی ایران فی الحقیقه تعاونت و دفع شر اشرار را
نمایند محافل مرکزی غرب بعاضدت سایعده بوساطی فعاله تشبث گردند
شاید سباب راحت و آسایش از برای آن مستمیدگان فراهم گردد

جناب آقا رضا و جناب آقا نصرالله و حرم مبارکه موقوفه شان بقامی رفیع و نوا
جزیل فارگشتند هر چند تلخی بلایا چشیدند و بانواع بلا یا معذب گشتند
ولی این محبت و ابتلا شش عشق و وفاداری در قلوب اجاد و تمام صفیات
و اقطار رو شتر نمود و بر حرارت ایمان بیفزود این شعله نورانی
ارواح سردگان را حیاتی تازه بخشید و بلغین دیار غرب را
در آن مالک آزاد قوه و نشاطی عظیم عطا کرد آه مظلومان ممد امر الله
و سر و شکیبائی عزیزان ایران مروج امر رحمن در سایر بلدان

بنده آتاش شوقی

فرمانده دکه بنده آستان حضرت عبداله باقر شانه عا کبر روخا استنخ نموا ۱۱ ص ۱۳۰۴

بواسطه اعضای مجرب و منحل روحانی مرکزی ایران عظیم به آت الایست
بر اوران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران طراوت مظهر

فرمایند

ای عزیزان حق روحی لظلمت استکم افکار چند کی استنازان مومن عزیز
عزادنی جبروت انگیر تقابعا بس عاکفان کجه مقصود رسید و قلوب و زفان
مقدسه بلکه ارواح مومنین و مومنات را در شرق و غرب عالم در
آسمان سف و الم که اختراجه از جنتی بلونات و مقصبات سیاس
شوب و انقلابات داخل دشمنان خسته برانیدار مودود و بر
عسارت و جبارت اشرا و جبول و علوم افروده و از جنتی بگری
کنای و عسرت و ضیق معیشت و اختلال امور زندگی و خار زندگان
همی گشته برکت و اقبال و آسایش و غنا ابرج و محنت منحل
از طریق تغییر مشرب و انقلاب افکار اساسی در ایست
سوی را متغیر ساخته و حرب تقلید و از نیابت و اولاد افروده
مشاکل و موانع تبلیغ افروده و از طریق دیگر فاجده نگهان مسایل میان
انجامان یار از ابراهیم ساخته و جم غصیری از عزیزان بر سر راه زندگان
سیر کرده و در دره طبع و شیخ و خسران سبب از اخته
در گشته و بان جان مبارک به تقدیر دست ستمکار در امره آخری بر

استدکان

۲۲

سند بدانان در کتاب ساری فرموده است که هر که در این سینه شود او نیکو
 که بیات و آفتاب که تا گون نیز چون سبیل منجر بر عرش مظلوم مترادفا
 متواتر نازل گردد نیز این آیه است که در این سینه شود او نیکو
 بعد از آنکه هر که در این سینه شود او نیکو خداوند حکیم در آن انفسیم بر افروخته و لیون
 و بر اسان نگردید سبالی است مقدره محمود که سبب است سبب ناز
 از لیه و قوه لاریه خویش رخا نکل معاکس صید و فرام آورده تا آفرین خویش را
 در این سینه در این عالم جلوه دهد و در مستقبل ایام در آن کشور مقدس مظهر و حکم
 سازد بزار و نوبس شاید در الواح الکی تفرس نماید " نامه
 الحق ان الله عظیم عظیم بده که کر زانانی اکثر الواح نقل منبه بها العباد
 و در مقامی دیگر این بیان نازل " ان هذا امر عظیم عظیم زود است
 که غمت آن واقع و بر من شود " این آیه آسمانی را بشنود عالم است
 مغایه نتوان بود و بقوای مادیه کونیه مشابه و موازنه نتوان کرد
 سراپه اش غلبه است کبری مرتفع و بی تقدش بوسائل معویه خفیه
 و سبب دهنه غیر قطره مشروط و منوط انسان قدم نشلی
 و بنده عالم میفرماید " انما قدر من قلم التقدیر فجانه اقا ما هو خیر علم
 سند بان بوقسم علی الصبر و الاصابه لکن انعم البلاء من مراد الله
 و عظیم " تخیر و توین بر مومنه موقنه فی باب عزت ابدیه برابر و عظیم

ساز ایران بیکه تمام جهان مضمون سازد از ضرب و شکنجه و استادی جوانان
 و در اقبال شروع بدینی و نشاط جدیدی در برخورد و کشته بان لبیک بر سر
 ساری و جازی کرد و آیه موفان که در این واقع جا که از مسر و سامان
 کشند نفع و تالیان و بلاد غرب رسد و انعکاسات توین من
 هر دنی جدید در عالم کون است باید بر روابط موهوبه ای ایجا کند
 و در این آیه نیز در نظر شاه و بجهت کشف و نمایان فرمایند
 سینه کثیره هر چه با پای وارد و سرعت و شدت و نفع زان
 در این سینه هر چه بود و در اولی با خود این از هر فشار و کاست
 که در این ایران نهضت عظیم و اقدام سری بر برای امر است بر کسی در مقام
 سینه کشته ایران خافل و در اصل ایران سینه بدو است
 سینه دوی جود جات حاملان پیام سجات بود قطار شاهانه را
 در این سینه در این قلوب مشغول قوه محرکه واقع کن کافل نحاح
 در این سینه همانا عزت و استعمال و اراستادت و آرا
 در این سینه و ان ایران است این است که هر چه باید
 در این سینه بر آورد و سینه عزت نماید و با هر نفس و سوال
 در این سینه که هر چه باید که بگویم صدق این بیان اعلی سخن نافع
 در این سینه که در این سینه مان قائم و در دست واقع و همچنین در تقاطع سینه

المان در افروزیهای جهانی که اتمی نیز است تا در افروزیهای واقع در اوقات
 غربیه ممالک متحد امریکاکه با نفی الغریب معروف است در شرقی آن
 در قاره استرالیا صیبت امرالمی مرتفع و محافل روحانیه بسرمی تعمیر العقول
 تائیس و تشکیل میگردد مکاتب متعدده از نقاط مختلفه پی در پی وارد حتی
 اقلیم جدید و در ظل لواء امراند داخل در جبهه جنوبیه قطعه امریکای
 و برازیل یارانی به تبلیغ و ترجمه کتب امریه و تائیس محافل روحانیه مشغول
 در جزایر اقیانوس اعظم در جزیره کوبا و فیلیپین نیز نفوس منقطع به تشریف
 مشغول و مآلوف در عاصمه اطریش جدید ایاران محلی آراسته و در نهایت
 محبت و جدیت و صفات خود داره خویش مشغول و به ممالک مجاوره مجرستان
 و پلند و رومانی نظرا متوجه ساخته تا بحال محدودی آشفته تعالیم الهی گشته
 و بر نشرو توزیع آثار امریه قائم و نیز از دانشمندان عالم که در لفظ و فصاحت
 مشار باینستند در علم و نفوذ و کمال مشهور و معروف پرده اوام
 دیده بیاران الهی منضم گشته اند در ممالک و دیار امریکای بسیار
 و بقوه بیان متخیر بدان قلوب مشغول بذكر کیفیت تائیس و ترویج امر
 الهی در قاره استرالیا اخیرا کفایر و تا معلوم شود که میزان بانسار و ضرار
 که در ایران مشتعل است چه نباشد تأثیری در اقصی بلاد عالم نموده چهار
 سال قبل و نفس زکیت هر دو نجف و علی المزاج با بیاضی مزاجه ای است

و تائیس و تائیس و تائیس تائیس تائیس تائیس تائیس تائیس تائیس تائیس تائیس
 التریق فتاوت و تائیس فارغ و صدی واسع و جمعی حیرت انگیز و
 قاره شاسعه استرالیا چنان است که اول راه و جولا نگاه داشت تائیس
 و محافل بزرگه دانش آن اقلیم و جزایر مجاوره نیز بلند و نسایا مبتناست و سر
 تائیس فرمودند که حال عده نفوس مطمئنند که در این مدت چهار سال بنور ایمان
 فائز گشته اند بجائی رسیده که چند روز قبل نامه خصوصی نگاشته اند و دستور
 العمل مخصوص از برای تشکیل اولین مجلس مرکزی قاره استرالیا طلبیده اند بمقتی
 از این نفوس مستعد نمونه بعزم زیارت ارض مقصود مسافرت نموده در هفته
 آتی همین را بر عتبه مقدسه خواهند نهاد و با عظم آمال و مقاصد فائز خواهند
 شد علمای سوره بجان نمایند که بزجر و عقوبت و سنی و دانست و علم
 و کرامت روح آزاد این امر مقهور و مغلوب گردد و این جلوه ملکوتی بنیاب
 عدوان و طوفان طغیان تارک است شود ولی غافلند که این جور و ستم و اول
 و امم را بیدار نماید و بر اهبت و سطوع نیز آفاق میزاید و شوکت و هیبت
 و سطوت خویش را عاقبت از بنیاد براندازد و مضمحل سازد بریدون این
 نور الله یا قوا ایسم و یائی الله الان تیم توره و تو گره الکافرون و حق
 این نفوس است که میفرماید « سوف یائی یوم فیه یضون الالمین بیا هم
 و یکون علی انفسهم سوف یا حدم ربایه القمر من لدن عزیرت قد قوم » اگر

در این صحنه موقعا این برادران را مورد توجه و محبت خاصه و آنگاه ملکوت را در صحنه
محلین جامع و اولی در عالم عینه در اواسط اقیانوس با سفیک و در عمارت مجاور
و اولی در صحنه و اولی در صحنه و علم فیه شیدش نمود و با بر این است که
از قلم علی این بیان اتم معنی غزل "لو استروون التورق البر از بیلرین قطب
و غیره و بقول فی محلی العالمین " حال ملاحظه فرمایند که این اقدامات بناید و
این نوع است که در آن ممالک ستمه و قبی و واقع که ایران هر چند در مورد مطروحه
و بعد از آن زمان رسیده بودند و حال که در باره ستمه ستمه را در قطب
آن قلم در صحنه اثراتش در ممالک غرب چه آمد بود و در حصول اخبار این
اعمالی که گذارند و اخبار و کتابت جامع ممالک غرب مستفاد می گردید تا به تجاری امور
و اوضاع طایفه مطلع گردید و نیز ملاحظه و موانع و احتیاجات ایران عزیز ایران
کامله مستفاد شوند و حاضر و ماضی گردید که اگر چه این کتب عامه من نگردد و بواسطه
فشار تشنگ شون و با و لیسای امور خدایران مراجعه نمایند چه که پیش صریح
سکانت و علم موسوم و بسند است و حیرت خوانی و اطاعت امانت ما بود
و اینها میسر نماید پس لامدان هم بر علی الدین مگر علی العباد و عوالم باعد
و توفیق الی العالیین " که در مخرجه و حصول اخبار فایده موده سیرت برادران و
همه از در یاد غرضت علی العالیین با است محمد و مگر کتب همی شایان و در سبیل
و اینها میسر نماید پس لامدان هم بر علی الدین مگر علی العباد و عوالم باعد

فی ائینه و در ست و بیخشی تنج اهل با و حقیقت روابط معنویه که شرق و غرب عالم
بنایز بناید که چون اعضاء جوان یک تن مرتبط نموده بعمل اثبات نوده تا و
با فرمائند و در پیر در آغوشش معین و غمخوار و مساعد که بگرد گشتند و این سبب
مگر از قوه قاهره محیطه امر الهی در این قرن نورانی حال علی العباد و ستمان
غرب معادست و تخفیف حساب و اروه بر باران ایران قیام نموده اند و غمخیز
ببدلول این آیه مبارکه روح افزا خدائی کلیه بکشور ایران و صالح ابرایان خوانند که
میفرماید " غمخیز برادرانسان از اردوب و امریک ایران خواهند آمد و
آیین صنایع بدید و بنا و آثار دینت و انواع کارخانه و ترویج تجارت و
کشور فلاحت و تقیم معارف خواهند نمود... خواهند آمد و خطه ایران را
تنگ جهان و غبطه اقایم سازند خواهند نمود " حال علامت و مقدمات
اولیه این و عود صریح در نقاط مختلفه ایران از مکی ظاهر و نمایان گشته بتدریج آنچه
در قلم می مستور گشته در نهایت جلوه و وضوح از افق آن خطه منتقلیه اشراق
لیلی برادران و خواهران روحانی بر چند ایوم افق آن کشور تاریک است
و مساب و صنایع متنوع مترادف و صنایع ارکان کشور سترگ است
و اخبار در نهایت همچنان ابراز بی امن دامانند و اخبار در نهایت
بعض و عدوان ولی این تنگی و پریشانی و ذلت و نادانی باقی مانده
و اینها میسر نماید و انقلاب و وحشت دوامی کند برف

بفرستد

یظن الله من هذا الاق نورا و قدرة و بها نظم الشمس نحو الامر من استكبر
 على الله و تضيي وجهه لمخلصين " چشم انتظار را متوجه بشارات قلم
 اعلى فرابند و دیده امید را بوجه و شعشعه کتاب قدس الواح سازه روز
 و منور سازید چه خطابی اعلى و چه بیان و وعده فی اکمل و انسب و اعلى
 از این آیات محکمات که از مخزن قلم بهی نازل قوله تعالى يا ارض اطأ
 لا تخزي من شئ قد جعلك الله مطلع فرح العالمين و لو شاء يجمع غماهم
 التي تفرقت من الكتاب و الله لا يقطع عنك لحظات الا لطف
 سوف ياخذك الاطمینان بعد الاضطراب " و از کفک بشارت این
 بیانات واقیه جابره و نازل " عنقریب ملاحظه خواهد شد که دولت
 وطنی حال مبارک و جمع بسید ازین هم ترسین حکومت خواهد گشت و ایما
 معمودترین بقاع عالم خواهد شد ان بذ القصل عظیم و ان فی ذلک لعیبره
 لناظرین " این وعده الهی و بشارات سامیه که از قلم اعلى و کفک قلم
 مؤید هرگز عهد و بشارت نازل گشته بعد لول این آیه مبارکه حتی الوقوع است قوله
 و آنچه از قلم اعلى جاری البته ظاهر شده و خواهد شد و لایستی من صرف الا و قدیرا
 مسترا علی هر شیء التور و ولی سر و عمل و شجاعت و شهادت لازم زود است آن قلم
 هر چه در مظهر ان الزمان و ممتد ای جانان کردند و ان
 کفک از قلم کفک و بشارت و بشارت و بشارت و بشارت و بشارت و بشارت
 و بشارت و بشارت و بشارت و بشارت و بشارت و بشارت و بشارت و بشارت

۱
 اندکای محترمه محل مقدس روحانی مرکزی ایران ایسم الله تعالی
 یا منار الله و اصفیاء روحی لشبانکم و وفایکم الفاء
 کتایب اخیر به تاریخ ۴ و ۱۲ و ۱۹ و ۲۶ مارس و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ آوریل ۱۹۲۵ میل
 و بنایت وقت مطالعه کردید اعضای محترمه محل جدید آئینده شایسته از دنیا
 رب مجید عظیم تا به طائف مقدسه تیزاید همه پیش بنیابت سرور و نشاط
 و نجات و اطمینان قیام نمایند ترویج کلمه نمایند حسن بین امر الله را
 میانه فرمایند ره ابراستینده بی من شوق و غریب جامعه بهائی
 ایجاد کنند حقیقت و نوایای این آیین مقدس را به سالی متقدمه
 قول و فعل بر نامداران و اولیای امور اهلار و اثبات نمایند در ترویج
 منافع عمومی بقدر وسع استطاعت بکوشند و در سبیل تربیت
 اطفال از ذوق و دانش و ترقی عالم انسانی شایان مبدول دارند از
 مناقات سیاسی و احزاب تبانی و مهادنی سقیمه و انکار مشو
 و محاسنات و اخلاقیات جنسیه کلی احراز نمایند و بطریق اخلاق
 و تزکیه نفوس و ترقی افکار و از اذات جنابات بدل و جان پرورند
 این است که از منتهای ایران و ایرانیان این است یگانه نجات و بنده
 عالم انسان امید جهان است اعضای محترمه محل مقدس روحانی مرکزی
 بهایان ایران همین کمالات کردند و مرقع این مبادی سامیه شوند

و بایدهای این است که با تمام کمال و شرف و آفات این جهان
 محفوظ ماند از روح کدر و فساد و عموم ارباب امتحان شامرا منزه بهر
 سازند و از احوال تقلید بجات نمایند و از صراط مستقیم آنی منحرف نشوند بعزوه
 الوتقای دیانت در جمیع شئون و احوال متمسک گردند و از وسوس
 و مغربیات بیوفایان دست عنصر اجتناب تام نمایند روح امیند و نشاط
 در بیابان پر مرد و بدبند و گمشدگان بادی ضلالت را بقوه نافذ کلمه
 بشرایح بقا بدایت نمایند از باسآ و ضراقتا اثر نگردند و از ظلم و جفا
 ملول و براسان نشوند این است دعا و تمنای این عبد بی نوا در
 جوار این بقاع علیا راجع بنامه و سوالات بجنه محترمه ترقی نشون
 این امور فرموده حضرت عبدالحق بیعت عدل اعظم راجع حال
 عجان آنچه را اعضای محترمه محل مرکزی قرار دهند همان محبوب و مقبول
 از اقدامات اعضا محترمه این بجنه و طبع و انتشار تقویم بهائی مسرور و
 ممنون و موفقیت و ادامه ان نفوس زکیه را در خدمت مصالح انسا
 در تمام نقاط ایران راجی و تمنی ۹ می ۱۹۲۵
 بنده استانش شوقی

فرزند درگاه بهستان حضرت بهادر شانس عبد کبر درگاه استنخیز ۱۱ جزا ۱۳۰۴

باقی از سر تا این آلی

ایمان ازین طریق ، مانند دیگر از جناب و اصل و راجحه خاتم الانبیا
 و حب و و او از ضایع نشین استقام کرده و بی اختیار استان
 مقدس را خادم تقی صاوقید و حضرت عبدالبار ایازمی جانشین پروفا
 از اوقات و انقلابات و اوقات این عالم غلغله آرزو و پیغمبر گردید و توفا
 عظیمه و حوادث جیمه تغییرات کلیه مستقبل ایام ظاهر گردد و
 در هر کس حکم آیه کنون و بالمال مرفوع وحدت عالم انسانی و مصداق
 این آیه انسانی است جو انرا تشویق نماید و کس انجا از حسنه و نیت
 تقوی غریب نماید ز اذکم الله ایداه توفیقا بنده آتش شوق
 این آلی یار باوفای تقی حضرت عبدالبار است عاقبت خیر و برکت از
 درگاه حضرت احدیت به اوره راجی و آلم خدات سیر و جلیه کلیه آن حبیب
 چون کوب لایع در آسمان امر الله در خشنده و تابان و سر تقاضای شایه
 و گو او است که مقصدی جز عنایت و اعلا امر الله نداشته و نداری از اقا
 و مکاره و انقلابات زمان اسروده و مخزون گردید حکمتی الهی از جناب
 نماید لعل الله بحدث بعد از آنکه امر در خصوص کیفیت ارسال و چه
 باین اقدس آنچه مناسب دانسد مجری دارد بان محبوب و مقبول است
 بنده آتش شوق

۱۳۰۴
 فرزند درگاه بنده آستان حضرت عبدالبار است علی کبر رو صا مستفید از ۲۵ خرداد

۱
باقی اعضاء بخدمت نشر نفحات طهران

برادران روحانی شایسته نورانی اقا ذکر الله باراضی مقدسه فائز
و بشارت بهت هسی و ثبات آن بخدمت محترمه را بسمع این عبد شناس
رسانند پاهای این عبد را بآن عزیزان ابلاغ خواهند نمود
در حق بر یک دعایمانیم و موفقیت اعضای بخدمت نشر نفحات را از
درگاه بلیک فتحار استدعایمانیم امیدوارم بنشر آثار الهیه
و تعمیم و انتشار بشارت قدسیه و توزیع اخبار و اوراق امریه
در صفحات ایران خصوصا و نقاط خارج عموما کما یسبغ و بطریق موفق و
مؤید گردید نشر نفحات مسکینه این امر عظیم نماید و قلوب و ارواح
پر مردگان را از نومنین و مومنات با بتر از آرید فراموش نشود
نخواهید شد بنده استناس شوقی

فرموده بخدمت نشر نفحات محترمه را بسمع این عبد شناس
۱۳۰۴ خرداد

بواسطه فصل تعالیس روحانی مدینه جفا ایجابی آنگی و اما ازین برادران
 خواهران روحانی در صفحات شرقی طرأ ملاحظه نمایند
 در روحی و راحتی کلم الفدا یا اصل البصا و اصحاب الوفا و خدایت
 این خسته دل اتوان خود را با چار از بقیع مقدسه عیسا مجور و مجرم ساخته
 و در ارض غربت مسکن جسته و در نقطه منفردی مقیم و مسترح
 از دلوله و آشوب خلق فارغ و آزادم و از مراد و آشنای بیگانه برود
 در کنار ایام و لیالی بعد و فراق را صرف تامل و تدبر در شئون
 و مصالح امر بنمایم و ساعات راحت و فراغت را با تجارت و تجو
 با آن عزیزان و مغربان در گاه حضرت احدیه گذرانم مشغول مباحث
 و غم و خود زو آرازیار و اغیار تعدد و تراکم کتاب که از جهات
 لا یتعلق بمسائل متاعب ذمیه و مسائل بعضه تکالیف عبده
 و موانع غیر فطره این بنده شرمند را در دست نه ماه آنی فرصت
 و مهلت نداد تا بحسب رغبت و دوخواه خویش در نهایت نشاط
 به تمام امور برودارد و در مسائل کفیه خویش نماید و تفرس کند
 و در شئون آئینه تمعن نماید و احتیاجات ضروریه این امر مقدرا
 تشخیص دهد و در ایجاد و مسائل و تهیه اسباب تنقذ تامل و تدبر
 نماید و تمهیدات عمومی ثبت نماید و حسن تعاون و تقاضای را

و بیخ شرف و غایت با همه بانی ترویج و ترویج و ترویج و ترویج
و صایا را علی قدر شد و را با قوتی احوال خسته آمل و بیان بجز گذارد
و سپس نه این عدله و فقدان و اسباب از جهت اکثر
بمکان شرف را از تشکیل محافل روحانیه مرکزی مطابق تعلیمات
بسطه کامیابند چه در وصایای حضرت عبدالحق و ممنوع و محروم
ساخته و ابریک از این بیوت عدل خصوصی در شرق
و چه در غرب با تحاب عمومی در هر تاسی معلوم و منتخب نگردد تشکیل
و تاسیس بیت عدل اعظم الهی بقانون مصطلح در بلاد غرب بسیار
صعب و مشکل بگردد منتع و مستحيل پس باید اجزای شرق
علی الخصوص اجزای الهی و امار الرحمن که در اقصی قسیم ایران مقیم و بطنند
نظر را با این امر خطیر متوجه سازند و خود را آمیخته و مستعد رفیع موانع
و ایجاد و مسائل نمایند تا متدرجاً تیز برادران و خواهران خویش که
در ممالک آزاد غرب بنا بیسات متعده میشوند در ممالک شرق نیز
از برای تاسیس و تشکیل این بیوت عدل خصوصی در نهایت حریت
و کمال اساس متین بنهند و بر آن اساس وجد بشارکت
اجزای با خرقه شید بیت عدل عمومی را علی رؤس الأشرار و رعاً
کلی عدول و معاضد مرفوع سازند و بر اجرای اعظم نوایای

مقدسه رب غریز و فوق و فایز کردند و هر سیستمی که بنظام الهی و بر حسب
تعلیمات و اصول و شرائط مساویه که در صحف الهیه مشروح است و است
و مسطور است کاملاً کامیابی و ملین لهذا المقام الرفیع و المکرر المنسج استجاب
و تشکیل شود آن بیست را اعتبار اصلی و رتبه روحانی سابقه و از حق
تشریح و وضع احکام و سنن و قوانین غیر منصوصه ممنوع و از شرف سستی و قوه
مطلقة علما محروم و چون باید اداست لاریبیه و عوده و قلم اعلی موانع
حالیه بر طرف گردد و نوید خویش امکان تشکیل بجز مرکز امری در اقالیم
شرق کاملاً منتظر است این بعد نظر شتاق رسد دستور الهی مخصوص
بمحافل مرکزیه حالیه اجزای شرق را سال خواهد شد تا من دون تعویق
مطابق اصول و احکام منصوصه کتاب الهی بیوت عدل خصوصی که بنص
وصایا استقیماً با انتخاب اعضای بیت عدل عظم مکلف و مانور و متعهد از
بین جهوت منتخب و معین کردند حال تمیید الامر و حکیم و یکنا بنیاد
المنسج و تسبیحاً اندا التاسیس بحلیل از جمله امور لازمه بسرمد که از اجزای
ضروریه و اساسی شرایات و محو اجراء است آئینه بیت عدل
عمومی است استسناخ و جمع و تریب و تریب و حفظ آثار است
این امر خطیر از وظائف حتمیه اصلیه محافل روحانیه است و این عبد
توان بقدر استطاعت و امکان معاون و مساعد آن برگزیدگان

حضرت

حضرت یزید انم نانشا استبج محافل روحانیه عملی و چه مرکزی و تمام اقالیم
 بین امر عظیم بصیر و سکون در نهایت وقت و مسانت استلوه است نظامی
 بدیع پروازند و این فریضه مقدسه خویش را در نهایت روحانیت و کمال
 انجام دهند و با جبر و ثوابی صریح فایز گردند باید جمیع افراد مؤمنین و
 مؤمنات من دون استثناء در نهایت خلوص و امانت و جدیت آنچه را
 از الواح و توقعات مقدسه که از سما شستت جمال اقدس ابی و حضرت
 نقطه اولی و حضرت عبد الجبار روحی لا اله الا الله المشرقة المقدسه فدا لازل
 گشته نزد خود موجود و محفوظ دارند نسخه های اصلیه را که اکثر مریزین بجهت
 مبارکت بواسطه نشی برسم امانت تقدیم و تسلیم محل روحانی محلی خویش نمایند
 و در مقابل آن ورقه سی از محل تسلیم گیرند تا پس از استسناخ و مقابله محل
 محلی آن الواح اکاملاً با صاحبانش ارجاع نماید و همچنین باید بر محل محلی بجهت
 مخصوص تعیین نماید تا اعضای این لجنه از هر لوح و توقعی باطلاع و تصویب
 محل و نسخه استسناخ و مقابله نمایند و اسم صاحب لوح و تاریخ استسناخ را
 ثبت کنند و اگر چنانچه موقع و تاریخ نزول تعیین گشته آن را نیز ثبت و حفظ نمایند
 باید جمیع این امور یعنی تحقیق و اثبات استسلام و استسناخ الواح و ترتیب محافل
 نسخهای آن کل باطلاع و صوابید اعضای محل روحانی باشد و هر نسخه ای که
 اعضای محل تصدیق و تصویب شود و اگر چنانچه لوحی و یا توقعی نزد فردی از

افراد

افراد اجاب باشد که بسیار مجرب است و لازم و واجب باید صاحبش اصل لوح را
 سر بسته و نامور بر رسم امانت تسلیم محل روحانی محلی خویش نماید و محل محلی نفس امارت را
 سر بسته بواسطه محفل مرکزی آن اقلیم بارض اقدس نزد اینجند شخص کامل امینی ارسال
 نماید تا پس از استسناخ و ارض مقصود بواسطه محفل مرکزی محلی اینجند شخصاً بصاحبش
 ارجاع نماید ولی این ترتیب فقط راجع بعد و دی قلیل از الواح شخصیته خصوصیه است
 باید سایر الواح کل تسلیم محافل روحانیه گردد تا این محافل پس از استسناخ بصاحبانش
 ارجاع نمایند و آنچه نسخه های الواح نزد محافل روحانیه محلی جمع شود باید متدرجاً نسخها
 اول را در نهایت وقت و مسانت نزد محفل مرکزی خویش ارسال دارند و
 نسخه های ثانی را نزد خود در محفظه آنها محفوظ دارند تا بعد تکلیف معین گردد و در هر
 نقطه ای که محفل روحانی تشکیل گشته باید صاحبان الواح صورت اصل استقیما در نهایت
 مواظبت و احتیاط نزد محفل مرکزی اقلیم خود ارسال دارند تا پس از استسناخ دو نسخه
 در محل مرکزی اصل لوح را بصاحبش ارجاع نماید و چون نسخه های اول از نقاط امریه نزد
 محافل روحانیه مرکزی جمع شود باید بر محل مرکزی لجنه ای مخصوص تعیین نماید تا اعضای این
 لجنه باطلاع و تصدیق محل مرکزی پس از ترتیب و تدقیق نسخه های الواح با اقتضای نام
 مکان بخوی شروع بشود شخصی این بارض اقدس نزد اینجند ارسال نمایند تا آنچه لازمه
 این امر است اجرا شود و اگر چنانچه در نقطه از نقاط نزد اعیان الواح و توقعات
 سایر که یافت شود باید محل روحانی محلی در نهایت ولایت و روحانیت و

حکمت

حکمت جدید بیع مبذول دارد تا طبیب خاطر کمال سرور و اطمینان صاحبان
 الواح توقیعات اصدیقه خویش را بخل اراده دهند و تقدیم نمایند تا پس از
 فوراً ارجاع گردد تکلیف بیچوبه من الوجوه جائزند و چون اکثر محافل مرکزی
 در قایم مشرق نیز موافق نوایای مقدسه و مطابق اوامر الهیه تشکیل گشته
 گشته اند باستانی اقلیم مصر و هندوستان که در آنجا محفل مرکزی اجتماعت
 مومنین و مؤمنات انتخاب نموده اند لذا اقدم و اتم نقطه امریه بر اقلیمی موقفا
 محفل مرکزی آن اقلیم نامیده شد و انسانی نقاط امریه که فعلا تحت تربیت
 و ارادت از این قرار است
 محفل تهران محفل مرکزی اقلیم ایران
 محفل آباد کوچه محفل مرکزی قفقازیا
 محفل بغداد محفل مرکزی عراق
 محفل حیفا محفل مرکزی فلسطین و سوریه و اما نقاط منفرد امریه که از دیرباز این
 و قایم خارج است اصن و اولی اگر نفوس مؤمنه در این نقاط الواح خویش را
 بمرض قدس بنیات موافقت اتقان ارسال دارند تا این بعد پس از
 استنخاخ این الواح را بصاحبانش ارجاع نماید
 ای عشاق و فدایان پروغای جمال ابی هنگام بهمت و اقدام است
 و بوم بوم عمل و جانفشانی وقت آن است بهمت تمام و سعی جزیل
 و امانت و صداقتی کامل و نشاطی موفور و نظم و ترتیبی بدیع کانه مومنین و مؤمنات

و محافل اقطار از ضیاع و شرف و قرب و بعید قدم باین میدان گذارند و بجان و دل
 در نمایند و اجر او تسبیح و تکبیل این شروع طویل عتی شایان بکارند این امر عسیر
 اولین تجربه و امتحانی است که بآن میزان نوایای خالصه و هم عالیه و تعلقات
 افراد مومنین و منانست و کفایت و وثوق اعتماد و اقدار و استقامت
 محافل روحانیته بهایان قیاس موازنه گردد و قدر و منزلت هر یک مشخص شود
 سرین شود اگر معاذ الله فوری و تصور و ارتخار و اعمال ظاهر و عیان گردد اجراء
 آئیه و تاسیسات مهمه که در مستقبل ایام باین امر مهم مرتبط و معلق است در عمل
 افتد و در زاویه بسیار مدفون و فراخوش شود و نوایای مولای حکیم و توانا آشکارا
 در پدیدار نگردد و در عالم شود جلوه و بروز نماید اگر فی الحقیقه بایران الکی بزبور
 دستی و فداکاری و شبات و اتقان بطرز و مرتین گردند افواج نماید چنان احاطه نماید
 که عالیان حیران گردند و دشمنان مدحوش و سرگون شوند شک و شبهه
 ظهور و نیست که بایران پرورده بد غنابت کبری در این سبیل کوی سبقت از
 میدان شامت از پیشینیان خواهند بود و در این عمل مبرور از یکدیگر
 سبقت خواهند جست و ایضا از امور مهمه که باعضای محافل روحانیته
 هم گشته ملاحظه و مذاکره و تحقیق و تعیین و ابداع مواقع متبرکه و نقاط تاریخیه امریه است
 هر چند مواعظ حسیه متعدده در میان و سبب آذی منقود و تحقیق تعیین و تحدید
 آن اماکن حدیده بسیار صعب و مشکل ولی باید بتدریج در نهایت حکمت و تدبیر

و بهت و فعالیت به است باین شروع نمود و بقدر استطاعت از صندوق
 خیریه و تبرعات شخصی این بقیاع شریفه منوره عزیز را در حوزه ملکات و تصرفات
 بهایان در آورد و از عدم تقید و اعتنا و بی حرمتی جهال و اشرار محافظه نمود
 و آنچه ابتیاع کرده باید فوراً محافل محلی محل مرکزی خویش اطلاع کامل دهند تا در
 سجل محل مرکزی ثبت و قید گردد و در تزیین و ترمیم و کیفیت استعمال آن
 با اطلاع و مشورت و موافقت محفل مرکزی اقدام شود تا حقوق امریه محفوظ ماند و
 نظام الهی در هیچ شئون چه جزئی و چه کلی در انجمن انسان جاوه فی بنایان نیاید
 تحقق این امر بر مطلق و مشروط بهمت و انقطاع و جانفشانی و دقیق و استقامت
 و تعاون و تعاضد بین یاران و محافل روحانیه است و هر چه بیشتر خیر
 حاصل شود مشکل سزاگرم گردد و موانع داخله و خارجه از یاد باید آید کم
 المولی و ایا نا علی السلوک و المداومه و الفوز و الفلاح فی هذا المسیح القوم
 و آنچه الیوم نیز از لوازم ضروریه و جالب و جاذب برکت سماویه و کامل
 حفظ و حراست بندگان حضرت احدیه است وقف و تخصیص محلی
 مناسب از برای تعیین مرکز است امر الله است در هر نقطه فی از نقاط امریه
 باید یاران الهی در صفحات شرق نظر بصیفات عالییه بلا حله و اقل ال
 و سکون و حکمت و آرامی حرکت نمایند ولی مقصود از حرکت خاموشی
 و فراموشی و اعمال و تاخیر در اجرای این امر نه بلکه مقصود آن است

اعلان

اعلان مرکزیت درین جهت نگردد و در حسابات منوره و عمره و دیه بهایان
 ناس نشود ولی تعیین مرکز و لو در زیر زمین باشد از امتیاجات شدید و این امر
 عظیم است اگر نگردد اوضاع عظیمه مانع از اجتماعات امریه از برای
 الواج و ادعیه و مناجات و انعقاد محافل روحانیه و مجالس تبلیغ نشود
 و تذکار و اعیاد و ضیافت کل در آن نقطه ولو اتم نقاط باشد
 حصر گردد و اگر مناسب باشد دست قبل ایام بنیان رفیع مشرف الی الله
 در آن نقطه مبارکه نیز مرتفع شود نور علی نور گردد و آن نقطه حطیمه
القدس نامیده شود تا نفحات مسکینه تضرع قلبیه و مذاکرات
 روحانیه و اجراءات جلیله اهل بهادرت قدس بنحیته مجاوره سرایت
 نماید و مشام مزکوم این عالم علیل را بار نماید و معطر و عنبرین کند
 و نیز از امور مطلوبه استخرا تا بیس محفظه آثار امریه است در هر نقطه از نقاط امریه
 قلبی بهایان و این محفظه آثار در تحت صیانت و اداره محافل روحانیه
 مرکزی یاران است و محتویات آن در ضمن تجدید انتخابات بمحافل
 روحانیه مرکزی جدید انتخابات بنامها تقدیم و تسلیم گردد و بهر فردی از
 افراد علی الخصوص نفسی که در اثرش از اهل بیبا محبوب نه و با طرف ثقه و اعتماد
 و بیانشند بصرافت طبع و طبیب خاطر از آثار امریه چاره الواج و کتب و صور
 و کتب و ماشا الله تقدیم محفظه آثار محفل روحانی مرکزی خویش نماید اجرش عند الله عظیم

و این

برای باران نمود با اعضای این کجته محترمه خصوصاً تأییدات آئینه و عون غایت بانی
 در نهایت تضرع و ابتال سسنت بنام حال از لوازم ضروری این ایام است
 که فوراً محفل مقدس روحانی طهران رسنا و کلاماً در پورتی بسوط بدقت ترتیب
 و ارسال دارند یکی راجع باوضاع امریه عمده و ایران و دیگری خصوصی مختص بشون
 روحانیه در مدینه طهران از قبیل سیرت امریه در این ایام و امر تبلیغ و احیای
 آن و تسکلات و تنظیمات محفل روحانی و سایر محافل امریه و اقدامات امام
 الرحمن و محافل و انجمنهای آنان و عطاات و روابط موجوده با ارباب حکومت
 و حرکات ختیقت با یوس یکی و مساعی ناقصین ناکبین و لوازم امریه و امور
 سائره منقلبه بمراتبه بیچاره افزونی باید حالت و موقف امری را بنامها در دنیا
 و نوح و ذوق درد و راپورت خویش معلوم گستم نمایند و فوراً با رض اقدس ارسال دارند
 این ایام انظار تمام محافل روحانی در شرق و غرب عالم کل بنوعه محفل مدینه منوره طهران
 چه که معنویاً و مادیاً مقدم بر تمام مراکز امریه عالم است موطن مجال اقدس ایجاب است
 و از حیث عده باران و اقدامات روحانیه و دائره خدمت فائق بر تمام نقاط امریه
 در عالم بهائی اساس این است که از قبل اختصار ذکر شد محفل روحانی بجای مرکز
 تمام مشون و اقدامات و خدمات روحانیه اجتهاد است و اما الرحمن در مدینه منوره
 و چون دائره اش وسیع است و مجاله امور عمده امریه که راجع باقلیم ایران است
 محول بان گشته باید بجهت مالی مخصوص خود اعضای محفل روحانی انتخاب و تشکیل نمایند

و سرامری از امور عمده امریه را یک بجهت این محفل نمایند از جمله بجهت تبلیغ و بجهت
 محاربات امریه و بجهت تعلیم تربیت اطفال و بجهت تزیین و تنظیم محافل و مجالس و بجهت
 حج و نشر الوان و آثار مبارکه و بجهت امور عمومی و غیره و تسهیل عمل ذلک هر یک را
 بجهت بی مخصوص محول نمایند و خود اعضای بجهت کار انتخاب کنند و اطلاعات عمومی
 بر اقدامات سر بجهت بی داشته باشند و تمام بجهت کار شعب محفل روحانی محبوب و عقل
 آن و سبب با اعضای آنست و آنچه اس اساس است و آنرا اعتماد تام وثیق بر فردی از
 افراد اجتهاد در مدینه طهران از باران و اما الرحمن با اعضای محترمه محفل روحانی و ثابنا سعی و
 کوشش بیکه همسر فقار اعضای محفل در ترویج مصالح عمومی روحانیه امریه نظر با مبسالت و
 مقاصد و انکار شخصی خویش عموم باران چه در داخل و چه در خارج محفل باید محفل روحانی
 نمایند خود شسند و تقویت نمایند و ترویج اجرا آتش را کنند و همچنین اعضای
 محفل روحانی باید خود را خادم مصالح عموم اجتهاد کنند و مرجع مصالح روحانیه باران شسند
 همچنین چون وقت تجدد انتخابات اعضای محفل روحانی بیان آید باید هر یک از افراد اجتهاد
 سعادت یعنی ابدای رای را از وظایف مقدسه وجدانی خویش شسند و بقدر امکان احوال
 باین امر نماید و مستقل از رای بد نهایت توجه و خلوص و تجرد و فارغ از هر تآرب
 سیه و مقاصد شخصی نفوس را که خالصاً وجداناً قابل این مقام که عضویت محفل مقدس
 روحانیت و انداختاب نماید باران طهران باید در این امر سه مشق جانان کنند
 چهارم را می نمسند اعراب و ظل خارج بلاد غرب و مشروبات و موارد عمومی

مضروشان از قبیل آنزیک و پارتی بازی و پروچکاند که حتی آسمس کربدا
 هیچ اجارسد و در نفوس ایران ادنی اثری نماید و روحانیت را بجای سلب نماید
 ایران باید مخصوص صفات و صفات و وفا و بجاگی و خیرخواهی بنیان این مفسد قوی
 برآوردند تا آنکه تعلیم نمایند و ناسی کنند تا از این عوامل و افکار و عوام
 بجای نزار و سیراگردند روح الهی در جسم عالم بکند در جمیع اجناس تاثیر و نفوذ
 کلی را نماید بالواج مبارکه رجوع فرماید که چه قدر در این امر خطیر تا کنید
 فرموده اند استیبار اجتناب از ساز نفوس در این امور است و الا و خسر
 عظیم است باید در تالیف قلوب کوشید و سبب روحانیت و انبیا و بجا
 خستی می دانی و تعاون و تعاضد مستمری را فراهم آورد این اول و
 بر شخص میباشد اگر این حاصل نکرد تمام اقدامات و خدمات دیگر بی
 مغبول بایسایس است حکم ساخت و آن تذبذب اخلاق و شکیف افکار و
 نظر و علو بیت است چون ارکان این اساس مستحکم کرده آنوقت توان بنیان
 امرات را بر حسب مصایب مبارکه بر این اساس مرتفع ساخت و زمین و کمال و انانیت
 نمود در حق آن ایران و خامتان الهی دعا و تضرع نمایم که آنچه رضای الهی است
 موفق گردید و اساس امرات را در قلوب انفس مستحکم ساخته بجدانی و اقداماتی
 موفق شوند ۱۳۰۰ گ ۱۳۱۳ بند آستان

مرد در کابریستان خرمی به باجه نشاند و کبر در حقا استنخ نموده ۱۳۱۳

بواسطه جناب محب السلطان قشقی محفل انصافی محترم محل مقدس روحانی
 طهران ایدم الله بشیده القوی ملاحظه نمایند
 روحی لکم الفداء یا اولیا الله و انما فی بلادہ نامه محفل مقدس روحانی
 مرد ۱۳۱۳ بارش انیس و اضل و با اوراق مرسله بنامها بدقت نگاه
 گردید و بر مندرجاتش استحضار کامل حاصل شد فی الحقیقه آن ایران عزیز
 حصن حصین را بنام قوی شب و روز محافظه نمایند و در ترویج و تعظیم
 در کل احوال سعای و جاه در اراضی قلوب تخم افشانی مشغول و در نهایت
 مناسبت و رزانت و اطمینان مترصد و منتظر نور انار نصرت امر الهی
 شب و روز بدعا و ساجات مشغولم که باران فسا و اجای کاشان و دو
 بر سر و بخت بمان از شر مفیدین و فساد معرضین و تعدی ظالمین
 و شرارت مغفین محفوظ و مصون بماند و اگر چنانچه تقدیرات الهیه مره اخرى
 حکم بر جو و ابتلای عزب نماند بستمقامت و صبر و شکیبایی تحمل
 بر لای نمایند و مصیبات متواتره حضرت عبد البهار بنظر آورده تا دقیقه
 اخیر و جات چون جل راسخ مقاومت عواصف زمان تمام شود و اثرش
 امکان مول و افسرده نگردد از اقدام و جانفشانی ~~مبارک~~ باران
 در کل طهران جنیبات سرور و ممنون گشتم شبیه نیست که این مبلغ
 مساعدتی کامل و خدمتی شایان بایران مستمدیده المان نماید مخصوص

این فقره در مشهد المال محل مقدس روحانی حیفا که تمام صفحات غرب ارسال
 میگردد ذکر شده و اعلان گشته تا معلوم بداند که امر مبارک با وجود تناقض و اختلاف
 مشارب شرق و غرب را بچه حدی مرتبط و متحد نموده بلکه جانفشان یکدیگر
 کرده از خداوند عالیمان برکت و احسان از برای این ایران جانفشان
 مردم طالب ملتسم این مبلغ را سازد محل مرکزی اقلیم المان ارسال
 گشت تا در سده احتیاجات اجبا و معاونت و مساعدت فقر صرف گردد
 و خصوص جوانان بهالی که در المان تحصیل شنوند اگر چنانچه در جهت و مستند
 و اسباب عالی از برای تحصیل در دار الفنون امر بکافی بیروت کاغذ ممکن و بیشتر
 بانصوب حرکت نمایند و الامراجت بطهران اولی تا اسباب میباشود
 موانع را ازل گردد و اما آنچه راجع با اقدامات محل اقتصاد است بهترین
 که اعضای محترم اشش نقل نمایند و بعد در این امر خطیر نمایند تا مجاری احوال
 معلوم و واضح گردد و اسباب کامل فراهم شود و شئون مملکت و امور
 افراد اجبا در شرق و غرب سخن استواری یابد اینوقت ایران پر بهت جانفشان
 در جهت و اسباب و بتصویب محل مرکزی آن اقلیم باین مشروع عظیم در نهایت
 و اتقان پردازند و بجزیر عمل رسانند و نتایج کلیه از برای ترقی امر الله
 دستگیری فخرای اجبا و اعانت مساکین از ایرانیان گردد

۲۲ دسامبر ۱۹۲۳ بنده آستانش شوقی

اجای آلمی برادران و خواهران منوی در کشور مقدس ایران و صفحات
 کرستان و قفقازیا و خطه هندوستان و بین النهرین و بلاد عثمانی و اقلیم
 و بریه الشام و سایر صفحات شرق طرا ملاحظه نمایند

ای شادمان و برگزیدگان جمال کبریا و پیروان حضرت عبدالهبار برادران حقیقی
 و سایر روحانی متجاوز از دو سال است که کوب میباشان آن نجم
 شمع دردی آلمی آب خون و مولای شفق حضرت عبدالهبار آبنگ
 اعلی نمود و چون برق در پس پرده غیب پنهان و شواری گشت اهل
 اطفال تنوار او فتنه واحده در غمرات اگدار و ظلمات اینجا گدان ترابی
 زمان گذشت و عشاق آزودی دلارام را در اینجا چنان چرخ و آلام بنار
 و فرشتش بکدخت بساط احزان را کاغذ بخترا نید و دیده عنصیر را
 از آرزو شاد به روی و سوی نازینش محروم و بایوسس کرد حکمت البقیین
 شناسد و مشیت فایده المیه بر این قرار گرفت ولی روح مقدسش
 شناسد متاعب لانهی مشقات کوناگون خسته و آزرده شده بود
 و از او در اعلی عرف جان ساکن بر زمین رب الملکوت جالس
 و از او توجیه و ناظر و از رزق اعلی باطل بهادر ملکوتی بیخواب
 و ذکر ای عزیزان من محزون مشوید افسرده مگردید خاموش
 و خود را پریشان و بایوسس کنید من باشما هستم و شمارا در صحن رحمت و

کفت

گفت تا تم گرفته بر آنی ناید و توفیقی بید نایم و فایا بر به نایم و تا نفس خیر مانده
 اینجند و خدمت امرانه و عبودیت آستانش بپوشید و جانفشانی ناید و از
 یکدیگر سبقت گیرید از هجران من طول مشوید و از ششون نیا و حوادث زمان غافل
 و مضطرب گردید از مصائب امکان دنی زلزلی در امرانه حاصل ننمایید چه که ناید
 جذائنه و شناید جمع اصل عا که در این طوفان بلا بطلوبت کبری و استقامت عظمی
 و زیور اخلاق و خلل تقدیس و طراز تقوی من ملائشا مبعوث خواهد شد
 نصرت امرالمی ناید و مند زجا انجهان تاریک پر حشت و انقلاب را باوج عزت
 ابدیه در غل امرانه در سایه سر پرده نجات در آورید ای ایران من و انصار من
 در این سبیل بعد از من فتور و احوال ننمایید و این فرصت گرانبار از دست ندهید
 و الا عاقبت خود خائب و خاسر گردید و از نعمت عظمی تاج عترت ابدیه خود محروم
 بناید گمان ننمایید که از سکون سکوت احدی از اجا و منی بر امرانه وارد گردد
 لا والله رجالی مبعوث شوند و گوی سبقت را از میدان بر بایند پس بگوش
 و همت موفور از نومبذول دارید من باشما هستم و در ساحت کبریا در محضر
 اعلی و جمال اعلی بشدید القوی ناید تا ان نایم و دلالت کنم کل شخدا متفقان
 ناید تا باین مقام بلند اعلی رسید و الا مراد دیگر مبینید و بغور لقاده عالم
 فائز شوید این است ای اجای عبدالبها سبب سرور و فرج روح من و ملکوتی من
 این رتبه ملکوتی از آن در قار که عبودیت بسمع شتاقان رویش هر روز

وقت آن است ما که آشفته گان آن روی چون مه تابانم بقیامی جدید و نشانی این
 و اقدامی بدیع و شوری عجیب و استغاثی عظیم و نیتی خالص و قلبی فارغ
 این منادی غیب را فی الحقیقه اجابت نایم و درین ملا با بر بها چنان نمرود با بها
 الاهی بر آریم که عالمیان مدهوشش کردند تا بعد از انقضاء این چند روز جیات
 بفرموده حضرتش دیده جا ز آبان حال ابدی بزبانیم و منور سازیم در محضرش
 حاضر گردیم و در جوش الی الابد طائف شویم
 برادران و خواهران عزیز تر از جان و روانم هزار شکر و ثنا و حمد و شتای
 شبان الکی و با سببان ملکوتی و قائم حقیقی حضرت عبدالبها را شایسته
 و سزاوار که بعد از دو سال پر طلال با وجود آثار شایسته موله و امنی ناید
 و چنین و صابای بر نه بدمش و انقلابات جهان و بلا با و روزایای گهانی
 عدم وجود اسباب و شدت عسرت و تنگی و پریشانی و جفا و اذیات ارد
 از اصل سو و عدوان امر حضرت بهاء الله روحی لار قانه الی بنین قد آر غما
 کاتف کل عنود و حسود محفوظ و مصون مانده از اقصی بلاد شرق از سواحل چین و
 صفحات بر ما الی اقصی بلاد غرب در ممالک و اساطیر یک و از اقصی شمال
 خطه اروپا از ممالک اسوج الی اقصی جنوب قاره افریقا در کسبانه خود مجتهد
 ملکوت و در جمیع اقالیم و بلاد من دون استثناء و ظل ظلیل را به ام عظم محشور و در
 انچه طایر ملکوتی حضرت عبدالبها را برود و دلالتش در این معرکه عظمی در مقابل صوف

والوف واقف بهایم و در جمیع احوال حضرت و غلبه روحانی فایز بشانیکه بسیار
از دانا بمان و هوشتندان عالم از عدم تشبیهت جمع اهل بها و ثبات و نورشان در
مقابل تغییرات و تبدیلات سر بیه کلمه عالم متذکر و متعجب گشته اند و شمه فی از
روح مکنونه غالبه که در نفوس اجبا حضرت بها آتیه و دیده گشته یافته و ادراک
نموده اند هزاران چنین نفوس که هر یک اگر در ظل رایت دین آتیه مشهور شوند واحد
کالافند در پس پرده منزه و مظهر نایب بینند که در اثبات ملکوت باین میراث
مرغوب لا عدل چه خواهند کرد و ناهج جدی در تحقق آمال و آثاریشان فایز و مظهر خواهند
شد ولی زینهار که مصونیت اجبا و عتت امر آتیه و اعلا کلام آتیه و عدلان اهل
نقض و فتور غلت سستی و ارتخا و غفلت و اعمال بایران آتیه گردد اولی فتوری و
دقیقه فی غفلت جائزانه حال وقت کوشش و بدایت جوشش است و قیضه بیا
باید از دست نداد و سه فرضی را غنیمت بشرد علی الخصوص در این ایام در
کشور مقدس ایران و صفحات مجاوره که بسبب فتح طرف و تسبیلات سائر
بین شرق و غرب آنمالک و اقالم بعیده نزدیک گشته و در دایره دول
متقدّمه معروفه عالم داخل شده لابد بر ورا ایام اعتراف نفوس و عقلا و دانشندان
و بزرگان عرب منسباحت و زیارت و تحسین و تحصیل اطلاعات و کسب تحریک
بشامان آیند و دوره ویر بهائیان است که قوه اسم عظیم را باین نفوس جلیله
تجاوزه منصفه بنمایند و پیام آتیه را بگوشش بپوشش زکیمه فی برسانند این

مهرمه بر چند کوسن و موافق کردند ولی چون بصیرت منصفه و بر تدنی افکار و بوط
اخلاق در ممالک شرق تا ما واقف نشدیم نیست که از محبت و رعایت مبسی
و پذیرائی و همان نواری و خدمات و مساعده خالصه بیخبرانه و علوا افکار و
سوء مقاصد و حسن اخلاق و اقدامات امریه بهائیان میباشد مجذوب و دگم
و خورسند و متعجب کردند و چون بیلاذ خویش مراجعت نمایند زبان بجا بهائیان
گشایند و باین واسطه تبلیغ دین آتیه نمایند انشاء الله بایران عموما و انشای
آتیه اعضای محافل روحانی خصوصا در این امر خطیر محبت تمام در نهایت بر سبب
و انقباه قدم در این میدان بگذارند و این اعظم وسیله تبلیغ را فراهم آرند
ولی مبادا اسباب بخش و کدورت و خد و حسد سائرین گردد باید بداد
و اعتدال و ملاحظه باین امر اقدام کرد تا اول نفسی آزرده نگردد و اسباب فساد
و طعنه فراهم نشود و اگر چنانچه بعضی از این نفوس اخلاقی نموده و دوام مفیدین
آحادند اجبای آتیه طول شوند بلکه بیشتر استقامت نمایند و در این سبب
توانند و مداومت کنند روزی این شعله روحانی آن عظیم و سائر اقالم را
رازی و متلاخواحت نمود و ولی حیف است که تا هم حکم او بودیم
تحت کفر و قیور و تعویق کردیم آنچه در این نفوس طالب است حال نیست اول
توانند و جان نسیان و غفلت و بیان و احوال و بیان و بیان
توانند و از اسم و جان نسیان و غفلت و بیان و بیان و بیان

لسان و قلم این نفوس که چون طلاکده ناشرات در اکثر بلاد بسیار منتشر گردند
 ذکر محامد و نفوت و تعریف از شیم و اخلاق و اختیار بهایان از سائر نفوس
 شنود چنانچه مقاله مؤثر و مفید و متین نویسنده معروف ماجور مور
 که اخیر ترجمه اش در متحد المال محفل روحانی مدینه جفادج شده شاید این کلام است
 اینست مغالطین نباید و اینست از وسائل فعاله از برای ترقی و نشر امر ته
 و اما رجت روابط داخله یاران باید بهایان خود را مروج مبادی و تعالی می
 روحانی دانند که بهیچ وجه الوجود قیاس و مشابیهی با این ادویه غشوشه ناقصه
 موجودند داشته و ندارد احزاب و مشروعات سیاسیة و مشونات سازو
 ماده بالمآل بهیچک تنها کافل سعادت ایران و ایرانیان نخواهد گشت
 ملاحظه فرمایید که برین افکار مشوشه که حال در شرق سرایت نموده جمعی از دول غرب
 اقباس گشته و سر جنبه و نشا و مصدرش احزاب فتنه متکاثره متنازعه در بلاد
 بوده ملاحظه نمایند که غرب در چه حالت است و چه امراض استعفی گزافار دیگر
 تقلید از برای چه و قبح این تجربات و اتحاد اینگونه و مسائل غیر شبیه احزاب
 لزوم و احتیاجی بآن احزاب سزایده عالم چه از دیمراطیون و انقلابیون
 و بیشتر اکنون و محدودان چه نفوس که طالب تاسیس حکومت مستند مطلقه قایلند
 و چه نفوسیکه وجود حکومت و قانون و نظم را محبت خیال نسانی شمرند و چه نفوس
 مروج سعادت نام درین اراده این احزاب و این نفوس حال سجاوار از صد

که در میدان عالم بجهان و تا بنین مشغول چه خرابی و دمار و بریشانی و انقلاب و
 بعضی شخا و فقر و عسرت میراث دیگری از برای فقراء ارض کند استاید و بیرون
 بهای و بهوشغول مفایده امور را در دست گرفتن فایده دالمی بحسد و تباخ
 تکیه از آن حاصل گردد باید اساس را گذاشت و بر آن قصر شیدت سعادت عالم نهاده
 بنامود و آن در این آیه مبارکه مسطور و یوشرون علی القسیم ولو کان جم خصا
 ومن یوق شح نفسه فاولئک هم الفائزون فائزین بهایان عالمند
 چه باین آیه مبارکه ناظرند و عامل باین انسان تو تکون ناظر الی الفضل
 وقع ما یفعلک و هذا یتبع بالعباد و ان کن ناظر الی العدل احسب انک
 یا بخاره لثبک این است اساس ترقی و عمران ایران بل نجات و
 سعادت تمام جهان اگر بایران و زما مداران این شیم مکتوبه خود را برین
 دوازده عالم عالمی دیگر شود و این اصوات همه از میان رفته ندای برنان
 عالمی آنگی با بهار الاهی حکمک مریض عالم را از خواب غفلت و نادانی بیدار
 نماید مقصود این است که بایران از طریق ضدیت و مخالفت این احزاب
 و وسائل ثانویه مادی و اجرائات سیاسیة اجماعا معاصره مکتوبه
 از طریق دیگر گمان نبرند که فقط باین سبب عالم و وطن کجاست باید در دست
 گردانند و با وج عرت رسد بهایان چون روح امر حضرت بهایانند که در
 حاکمان باطن است نظر نمایند باید خود را با مخالفین مکتوبه سازند و مکتوبه

خود ا فوق این شروعات مشرند مگذارد که اولیای امور اونی تکذری حاصل
 نمایند اگر فی الحقیقه موجب احکام و تعالیم الهیه سالک و عامل شوم و بنوع
 بشر و وطن خویش خدمت نمایم عاقبت حقیقت معلوم و مکشوف گردد و خود
 آن نفوس آگاه شوند و اقبال نمایند مفلک مگذارد که گمان کنند که بیایان
 تعلق بوطن خویش ندارند بلکه برستی بدانند و یقین نمایند که از همه بیشتر و از همه
 مخلصتر و از همه ثابت تر در اجای ایران و نفس بر ایران است بوشالی بی
 میکوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا خواهد شد بلکه بفرموده
 حضرت عبدالمبارک (دولت ملی جمال مبارک در حبس سید زمین
 محترمترین حکومت خواهد گشت و ایران محمودترین بقیع عالم خواهد شد)
 برادران و خواهران روحانی عالم بشر نظر است و ملت
 حضرت عبدالمبارک در ملکوت امی ممتنی و شائق که بیایان تعالیم حضرت بهایان
 از خیر قول بجز عمل رسانند این چه فرصت مبارکی است باید اقدام نمود و با
 معاشرت و مراد و رانایان ممل و محل باز کرد ایام گوناگونی و سکوت
 و خوی گزسته باید از راه و بیخون در آیم و در میدان وسیع قدم گذاریم
 و معاشرت عمل نمایم مقصود این نیست که حکمت را فراموش نمایم و پرورد
 گری نمایم و از حد اعتدال خارج گردیم و مخالفت اصول قوانین و رسوم
 حکومت و ملت تمام کنیم ما شا که باران الهی همین باشد بلکه مقصود این است

که با اعمال و افعال تبلیغ امر حضرت بحسب آرائه نمایم تبلیغ با اعمال حکمت قبول
 نماید و تقبیل و تحدی می نماید کل باز وسیع و شریف و قدیم و جدید
 و سیر و جوان قابلیت و توانائی همیون این سبیل را داشته و دارند
 پس عندی از برای احدی نماند هر نفسی که خود را بشیرم و حلال تقدیر و
 تقوی و اخلاق مزین ندارد او بهائی حقیقی نه ولو اینکه باین اسم موسوم و
 معروف و معروف و اگر نفسی امی و عاجلین و تبلیغ خلق و بیان فایده
 با اعمال و سلوک در قیاسش علت انشاء و تذکره و اقبال است پس هر که
 از همه برج و محترمتر و عزیزتر و محترمتر شخصی است که سالهای سال مشر و تبلیغ
 می پردازد و شهرت و ابریت یافته ولی بشریت و اخلاقیات باین
 مخالف کلام و قول او حساستان نفس عاقبت قلوب عمومی را
 بر آید انما کلام انما منور خواهد ساخت ولی حساستان این سخن را
 نسبت شود که تمام موعظین فراموش کرد و بلکه بالعکس میباشند و خود
 ایمان بدل باین وسستی و بیداری شود میل و رغبت که امر شد حضرت
 الهیه همان است که بیایان در حسیع امور حسی در حقیقت و معانی
 و در اول افراد با یکدیگر بحسب تعالیم الهی رفتار نمایند میسراید بحسب
 منطق و افتادگی گفتار نماید مظهر نبوت گردید و فایض شوی بر
 و شفقت و محبت نصایح پیشیان بود در این دورا علم عمل بحسب

بندکاری و جانفشی مأمور عدالت محبوب و مطلوب بوده است ولی بیوس
 و مؤمنات در این عصر نورانی باین امر مأمور وضع یافتند و خدا باین صفت العباد
 نسی الغمر لیس نجیب الوطن بل لیس نجیب العالم ملاحظه فرمایید که در الواح مقدسه و کتب
 الهیه و وصایای مبارکه اجبای الهی بجهت هدای مومنین بر سر کار و خیر خواهی و بردباری
 و تقدیس و تشریه و انقطاع از ماسوی الله و تکرار نشنون دنیا و اخلاق و صفات
 الهیه هستند باید بهر نحو که ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیت را خالص
 نمود و الا اقدام به هیچ امری نتیجه و ثمری نباشد باید از تصنع و تقلید احتراز جست
 چه که در آنکه نشسته اش را ملاحظه عاقل بهوشندی فوراً در آن نماید باید اوقات
 مخصوصه ذکر و توبه و دعا و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فعل و عمل
 الهیه بوقت و ترقی و پیشرفت و امور مشکل بلکه مستعجم و محال میباشد
 که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید ولی شکر
 این امر متوسطی و کوشش مسه فردی را فراد در هر یومی از آیام است که
 که اخبار و سودان و دشمنان بگویند که طقت علو امر در گذشته آیام در اوقات
 ظهور قیام حارق العاده بیماکل مقدسه و استقامت نفوس بیکه شدت امر
 حال چون دیگر نیستند امر بسیار آهسته مجبوراً رو با خطاط و ضعف نشسته
 خواهد گذاشت باید اولاً بسلوک و افعال و بعد از آن اقوال و
 انکسار نمود که در مورد الهیه محرم است و واقع بشارت الهیه ظاهر

تا نفوس کامله بیدان نیابند و شاهد بر آنجهن نگردند اثبات این امر بدانایان کم
 بسیار مشکل و اگر مومنین مؤمنات منظر این کمالات شوند لزوم بیان و
 دفاع از نفس اعمال دلیل است و نفس زقار کافل حفظ و صیانت و شوکت
 امر الله این عبد عاجز بستمند خجل و شرمسار است و خود را هیچ جفا
 بجهت امری از این امور بر نه لازم ندانسته و میداند ولی شب و روز در دعا
 دفاع مقدسه مناجات و دعا و توبل مشغول و از باران الهی استعدا و التماس است
 که با اعمال و اخلاق حضرت عبدالبها مقتدای حقیقی ظاهر شوند و این امر عزیز
 الهی را نصرت کامل نمایند امید است که این دعا سنجاب شود و این استعدا
 قبول گردد
 و اما آنچه راجع بترقی و مشیت امور روحانیه اجابت همانا تقویت اساس
 محافل مقدس روحانیت در تمام نقاط چه که بر این اساس حکم متین و مستقیم
 آیم بیت عدل اعظم الهی استوار گردد و چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوام سر
 رود نو ابای مقدسه الهیه حکم و معانی کلیه در روز و حائق ملکوتیه که در وصیای
 آنکه الهیات ضعیف حضرت بجا آمده و دیعه گذشته تدریج ظاهر و آشکار گردد
 ظهور نماید پس باید کوشید و همت نمود که تمیذات لازمه میسر شود و اولین
 سیاق و اهرم و سائل همانا تقویت اساس محافل روحانی بود و امید و طبع
 است که چون در یوم اول بعد سید رضوان استجابات محافل روحانی در آنجا

نقاط در شرق و غرب در نهایت روحانیت و مناسبت و جلال و کمال تجلی
 گردد و اجناس و دوز استغاب دل و جان متحد اقدام نمایند نه نفر اعضا
 متجبه در هر نقطه فی قبل از مباشرت بانجام وظائف مقدسه خویش رجوع بکلمات
 الهیه نمایند و در زیر الواح مقدسه نفس و نفس نمایند و لوازم اصحاب
 و واجبات انسانی الهی و وظائف اعضای بیوت عدل الهی را بنهایت
 وقت و توجه و فراغت بال مکرر اوقات نموده اطلاع تام حاصل نمایند و هرگاه
 آن ادمر قطیعه و نسلج مشفقانه را بیاورند و بکوشند تا برکت را کامل
 بگیری نمایند از جمله که باید خود را خادم این جنبه ایجاب آینه شمرند و نظری
 متوجه مصدر نافع عموم و مصالح امر الله نمایند نه مافرا بنحاص و منکک
 و آرب شخصی کردند باید رای خود را در امری و در بر علی دنی و نهایت
 و روشنی و خیر خواستی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بیدار
 کامل و ذاکره نام رای اکثریت بر آن قرار گرفت بدل و جان بدون ادنی که
 و بخش اجرا نمایند و لو آنکه رای اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب
 چکه این است حکم سرچ حکم الهی چگونه تجاوز و انحراف از این امر مضمون
 و ایضا باید اعضای محفل در الفت و اتحاد و ابرار و عزت شایسته و ترویج دین
 است و روز بکوشند اگر خیا نچه از جبهی را بکندنی بوزد و آنرا از غیر
 اولی مشکی معلوم و ظاهر شود باید فوراً اعضای محفل منع کردند و در

و جلوه گیری از بر فساد و رفع و دفع آن بنام قوی بکوشند و نگذارند که نشود
 وارد گردد ایضا باید در تأسیس و ابقا و توثق صندوق خیریه بکوشید
 آن در هر نقطه فی لازم و باید بایران از اعضا و غیر اعضا بقدر استطاعت خویش
 طوعاً کرها اعانه باین صندوق نمایند و آنچه را تقدیم نمایند تسلیم این صندوق
 محفل کنند تا بصوابید اعضای محفل روحانی در امور خیریه و ترویج امر الله صرف
 گردد معاونت اغیار از مخاصین و مساکین و ایتام و اراذل و عجزه و فقر بسیار
 لازم و واجب چکه باین واسطه حقیقت اعظم تعالیم امر الهی که آن خدمت بعالم
 انسانیت اثبات شود و ظاهره گردد
 باید در امر مخبرات و مراسلات فتور و تأخیر و اعمال بهیچ وجه حاصل نشود تا روابط
 صوری و معنوی در بین افراد و اعضای هیئت بهائی عالم مستحکم گردد و وحدت
 شرق و غرب میسر شود و چون مخبرات و مکاتبات بهیچ وجهی بر عهد و نشی محفل
 خواهد بود و مخبرات فقط با مضای او مضی و بعنوان او از این بعد ارسال
 خواهد شد خوبست که اجامشی محفل خویش را نفسی انتخاب نمایند که معروف و مشهور
 و موثوق و قابل و مقدر باشد چکه در حقیقت و نفیضی اہم و اشغالش بیشتر از
 مقام رئیس است و چون نتیجه انتخاب معلوم گردد احبب اولی آنکه در هر نقطه
 اعضای محفل روحانی اسما را اعضای محفل مع عنوان کامل نشی محفل خویش را نزد محفل
 مرکزی اقلیم خود ارسال دارند و همچنین نسخی از آنرا با رض اقدس نزد این عبد فوراً

ارسال فرمایند تا محاورات و مکاتبات در نهایت اتفاق و ترتیب شروع شود و تجدید گردد

اشتراک مجلات امریه که بواسطه محافل روحانی از قبل ترتیب آن ذکر شد از قبیل نجم باختر و مجله اطفال ملکوت در بلاد امریکه و خورشید خاور و خطه کشمیر و شمس صفت در بلاد آلمان و مجله البشاره در هندوستان و مجله الاشراف که اخیراً در بلاد برما تأسیس شده و انتشار یافته امید چنان است که محض نشیت و ترتیب و تشویق این مجلات امریه باران بقدر امکان اشتراک خواهند نمود و مقالات مستثنی در مسأله ادبیه علمیّه روحانیه باین مجلات بواسطه تصویب محفل روحانی خویش ارسال خواهند داشت و باین واسطه بر عزت و شوکت امراته خواهند افزود

امرتبیت از بنین و نباتات این ایام از امور اساسیه لازم محسوب و این از وظائف اعضای محافل روحانیت که بعاونت باران در تأسیس مدارس محض تربیت بنین و نباتات در امور روحانیه و تعلیم اصول تبلیغ و تلاوت آیات و بیانات و تحصیل تاریخ امر و علوم صوری و فنون متنوعه و تحصیل لغات بکل قوی بکوشند تا اسلوب تربیت بهائی چنان صفتشتر گردد که اطفال از تمام طبقات در مدارس بیابان تعالیم الهیه و علوم مادیه زیاده و باین واسطه ترویج امراته را فراموش نهند

امرتبیت نسا و تشویق حضرات اما الرحمن در تحصیل مادی و معنوی و خدمت بامرته و تعاون و تعاضدشان با حضرات رجال در حکیم و تقدم امراته در این دور اعظم عمود و در این اوقات خصوصاً از امور اساسیه محسوب ملاحظه فرمایند که در لوحی از الواح حضرت عبدالمجید بافقار آمده از ایاة الرحمن چه میفرمایند

(ای در قله غیبیه منای اوج عزت قدید برسد ایماة الرحمن سایه افکنده و آفتاب افق نوحید بر وجه موفات پر تو انداخته ربّات مجال ابطال میداد کمال گردیده و پرده نشینان خلوتگاه عفت پرده غفلت دریده و بس منزل هدایت رسیده و بانوار موهبت درخشیده و شهد عنایت چشیده و در سایه ربّت آمدن آرمیده خوشحال ایشان)

و از واجبات اولیه محافل روحانی قیسه و اجرائی و مسائل فعاله از برای ترقی امر نوان است خوب است بر محفل روحانی کجی مخصوصی تشکیل دهد و اعضای آن کجی شب و روز در تشویق و تحریص و تحسیر و تکریم حضرات اماة الرحمن و تعلیم نباتات و اکمال و توسعه محافل مجالس نسا و معاونت آنان با رجال در خدمات امریه و حکیم اساس محافل روحانی و اما اوفات و افکار را حصر نمایند و باید امید و ارادت که در ایام رضوان چون انتخابات محافل روحانی تجدید گردد حضرات نسا که بر مجاری امور مطلقند در انتخاب اعضا شریک رجال گردند و آنانکه هنوز کما بینشی و یسین اطلاق کافی حاصل نموده بتمام قوی بکوشند تا کتب

استعداد و اطلاع نووه بر در ایام چون ام حجاب بندرج و کج حکمت الهیه
 تخفیف یابد و از میان رود و نسا در حال برود و انتخاب و عضویت محافل روحانی
 شرکت و بیسم و معاون یکدیگر کردند همچو یوم فیروز مبارکی خواهد رسید و
 ایام الرحمن در آنجمن یاران ظهور و بر روزی عجیب نمایند حال وقت تهنیه
 استبابت و ایام ترقی نسا در کمالات صوری و معنوی مطمئن باشید
 که آنچه از قلم اعلی ثبت شده و از کلمات بشارت نازل گشته حوادث زمان
 و شئون امکان و اجراءات و اقدامات رجال ارض بنحوی غیر مستقیم
 و مسائل مکتوبه غیبیه بر امت در جاحض اجرای نصوص الهیه چنان فراهم آرد
 که جمیع مبهوت و متعجب و متذکر گردیم وقت اطمینان است و یوم یوم
 بهمت و جانفشانی باید با اعمال پسندیده و ابر الهیه را اجرا نماییم و
 توکل بحق کنیم تا آنچه اراده فرموده من دون تاخیر تحقق یابد
 علیا و رفقه سدره تقدیس و حضرت حرم و ساز و رفتار مقدسه مبارک
 این یاران عزیز را که در صفحات شرف پیش روین آمده مشغولند بپوسند
 یاد آرد و بذكر آن مندرک و بیجا تایدع ابجی و اشواق قلبیه بر آئی ذکر
 و بکبر و در این مقامات علیا شب و روز بدها و مناجات در حق آن مخلصین
 و مؤمنین مشغول و بیلا و نهار از ترصد مذکرا غلام و آثار فرزند حضرت امی را از افق
 انصافت ظاهر و لاج میند و در ایام تضرع و انبها لکل تلاوت لوح مبارک

که بافتار

که بافتار یکی از یاران نازل گشته تذکره و شغولیم و از فضل الهی ظهور و بر روز همچو میباید
 مقدسه در میان اهل عالم متمسک شائق و نظر و آن لوح اینست
 « ای سمن درار موقده در سدره سینا جمال مبارک روحی و ذاتی و کینوی لایق
 الفداء در او اخرا ایام از قلم مطهر و عده فرمودند که بغض مدار و تائیدات ملکوت امیر
 نقوی مبعوث کردند و بیباک مقدسی مشهور شوند که انجم تمام بدایند و انوار فجر غایت
 منظر آیات توحیدند و مطلع انوار تقدس مهابط الهامند و مشاغل انوار جمال
 را سخاوند و الهوا و باذن سحیح نورند و بدو ظهور و ساطع الطافند و وسائل اعطای
 شادی بسجند و بسادی تأسین میان اعظم این نفوس شب و روز آرام گیرند و آرام
 یابند و فراغت بخوبند در مضج راحت نیارند آسوده نشینند آلوده نگردد اوقاف
 صرف نشرفات آینه کنند و از نماز اوقاف احکام کلامه و جویشان سبب است و
 قلوبشان شرح فوادشان مهم است و بنیادشان اساس اقوم در آرزای عالم
 منتشر گردد و در بین امم متفرق در بر محلی در آیند و در هر بخشی مجمع یار آیند
 بهرسانی تکلم نمایند و بهر معنی تفهیم کنند اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر
 کند چون شمع در شبستان بر جمع برافروزند و چون شماره صحکامی بر جمع آفاق خشنند
 لغات حدائق قلوبشان چون نسائم صحکامی آفاق قلوب را معطر نماید و فوضات عقولشان
 چون باران بهاری بر اقلیمی را محضر کند این عبد در نهایت انتظار است که این نفوس مبارک
 کی موجود و این مظاهر مقدسه کی ظاهر و پدید آرد شب و روز تضرع و اینها

که بافتار

که آن نجوم بازه مشرق و لایح گردد و آن وجه مقدسه جلوه نماید افواج نماید
و امواج توفیق از بحر ملکوت غیب حاصل گردد مقصد نیست دعا و تضرع فرمایند که این نعمت
بفضل جمال قدم زود مبعوث گردد و البتة علیک و علی کل وجه تنورا تنور اللایح
من افق الملکوت

در این دعا که در جوار بقیع علیا اصل بیت و طائفین سیم کبریا سیم و شکر کنید آن باران
مشارکت نمایند و این لوح مبارک را محض تذکیر و اطمینان در اکثر احوال در نهایت توجه
و تبتل بخوانند تا بابت این ادعیه خالصه که چون باران بیانی بر اراضی سینه قلوب
باریده روح قدس بوزیدن آید و ارباب کریمه جدال و بغض و تعصب و غفلت
از این مزرعه الهی دور نموده مشام جهانیان را معطر نماید و اخبار و اعدا و مترد و ترا
اخبار نماید و اطمینان بخشد که امر حضرت بسم الله را خاموشی در پی نه و خون مظهر حضرت
اعلی دوم مبارک شهدا و بلا با و مصائب او بیا پذیرفته بالعکس بقوه بازوی حضرت
عبد البتة شجره عالم را نشو و نما داده و بخل و بزرگ و شکوفه های معنوی که آن اعمال و
اصلاح طیبیه عالیشان است الی الابد مزین و منقح ساخته ربنا ایدنا علی نشر
انمارک و السلوک فی نبح رضا کت جفا ۱۹ دسمبر ۱۹۲۳

۹ جمادی الأولى ۱۳۴۲ هـ

استان شوش

فرزاد که بزرگوار است حضرت عبد البتة بر شاکه کبر و استغناء نمود ۲۰ جمادی الثانیه ۱۳۴۲

انتهای مجرّمین متعسّر مرکزی روحانی کشور متعسّر ایران
نایب

یا انوار الرحمن و او وانه روحی لقیامکم و شبانکم و فاکم الغدا انوار
اخیر آن مجمل نورانی بدقت مطالعه گردید و بر مضامین و مطالب
منته اطلاق حاصل گشت از وقایع مؤلمه و صدمات وارده بر
ایران مظلوم عزین و اندوه حاصل فورا بعضی از مراکز خارجیه و
مخارجه گردید و بعضی از مطالب منته لازم با جماع گشت امید
و طید آن است تباخ کلیه حاصل گردد و عدم امنیت و پربانی
و عسرت و ناتوانی و ظلم و تعدی با سایرین در خوا و سعادت و
امنیت و مفا بیدل گردد و کواکب درخشنده عزت و اقبال
بسیان در آسمان عالم امکان جهان عبود و بروزی نماید که کل
چه اعدا و چه او و ا بهوست و حیران گردند صبر و تحمل و ثبات
و شکیبائی لازم تا آنچه در این کورا عظیم کمون و مسور است
باشد اشراق در قطب افاق ظاهر و عیبان گردد و چنان
شوکت و عظمت این آئین بهائی شرف و عزت را احاطه نماید که
زلزله بارکان اعدای جبول و ظلم اندازد عدالت فائده
و اقدامات یار و قادر و بنده جان شاکه... و در تحریر امراتند

اصیابا

احتیاجات عمرا و فقرا فی الحقیقه قابل تمجید و توصیف و تقدیر
 است در حق آن حبیب مخلص خدوم و غیور و هادئ تضرع
 نمایم تا از شر و آفت این عالم ظلمانی مصون بمانند و بترویج و
 توسعه دایره خدمات جلیله خویش در نهایت سرور و آسایش
 و اطمینان موفق و موید گردند راجع بندوبست تاریخ امر الله
 و جمع مواد تاریخیه اوایل ظهور در مدینه طهران آنچه در این
 نقطه ممکن جمع و تحصیل خواهد شد و نزد لجنة تدوین بواسطه
 محفل مرکزی ارسال خواهد گشت تا آنچه را اصلاح دانند مجری
 دارند امید چنان است این تاریخ بهر بی نظیر و زینبی بدیع و زیبا
 صحت و مناسبت و کمال من دون تعویق تکمیل گردد و در جای
 بهائی منتشر شود و صدی شایان بصالح امریه در مستقبل ایام نماید
 اخیر امتحان المال بسوط محفل مرکزی ایران که بهجت و سعی لجنة محترم
 نشر نفحات نایب گشته و توسعه یافته مع نظامنامه لجنة مذکور
 ملاحظه گردید سرور و جوهر و نشاط کلی حاصل در مجمع طهران
 فراست گردید و مطالب مندرجه در آن بنیاد غریب
 بواسطه محفل روحانیه ارسال و ابلاغ شد و زحمت آن بزرگوار
 بسیار موافق و مناسب امید چنان است که روز بروز

این ورقه اخبار بر جا میست و مناسبت و جلوه و جلالت بیغیر
 و مرآت حقیقی تمام اقدامات و خدمات باران در مرکز ایران
 و ایالات و ولایات و ممالک خارجه گردد و زواید
 محکم و مستحسبی در بین مشرق و مغرب تولید نماید رجوع
 با اولیای امور و کسب اجازه از برای طبع آن حال مخالف
 حکمت بنظر میآید ولی امید دارم عنقریب اسباب
 فراهم آید و مواضع جایز تخفیف یابد و تحصیل اجازه ممکن
 و آسان گردد راجع بلوغ مبارکست که در موضوع نکاح
 از ملک میشتاد و میاید گذشته البته نشو و نما اصل را تحصیل نموده بارش
 آندس با شکر ایامی ارسال دارند تا من بعد طبع منتشر گردد
 آنچه را محفل مرکزی بنقاط امریه در بلاد ایران راجع به توقفا
 امریه نگاشته ملاحظه گردید رسیدگی باین امور محفل
 محفل مرکزی طهران است تا بواسطه این نامه مخصوص بلوازم
 و احتیاجات و خبری است این امر سر دارد و اگر چنانچه
 تعیین است شخص محض یعنی سر مشورت ما لازم و واجب رئیس
 محفل مرکزی روحانی ایران تعیین میگردند تا با او کارهای
 لجنة محفل مرکزی بشیفته ایامی امر بر پروردارند و تعیین